

حاج شیخعلی خراسانی - امورات مشروطیت شخصیت برنمیدارد امورات مشروطیت تهدید برنمیدارد آن روزیکه بنده تنها بودم در مقابل استبداد ایستادم و داخل مشروطیت شدم و دل از جان شستم و با استبداد مقابله کردم. و نترسیدم تا اینکه یکنفر شارلاتانی بیاید پیشنهاد بکنند آدم بفرستد و مرا تهدید بکنند که تو چرا در کمیسیون بودی مخالفت نمودی و مخارج تحصیل و مسافرت مرا رد کردی من از فلان فرقه هستم (گفته شد اینطور نیست) و چنین و چنان میکنم این امور مشروطیت بدر ما نمیخورد بنده مخالفم با تصویب این وجه .

دکتر علی خان - گمان میکنم شبهه نباشد در اینکه این مملکت يك اندازه باشخص تحصیل کرده محتاج است و سابق هم در مجلس رای دادیم که سی نفر شاگرد برود در اروپا تحصیل بکنند و بنده نمایانم که اگر ۳۱ نفر بشود چه ضرری خواهد داشت و جهة این همه ضدیت با (۳۱) نفر بودن چیست و در صورتیکه این شخص هم برود تکمیل تحصیلات خودش را بکند چه ضرر دارد که از طرف دولت يك مساعدتی با او بشود گمان میکنم که این قدر ضدیت فایده نداشته باشد و ضرری بر آن مرتب نیست مخصوصاً که این شخص هم متعهد میشود که بعد از اتمام تحصیل مستخدم دولت بشود بنده گمان میکنم که این شخص خیلی لایق است و سزاوار است که این وجه تصویب بشود که برود تحصیل را بکنند و گمان میکنم تحصیل هم آن قدر طول نخواهد کشید برای این که خیلی زحمت کشیده است و تحصیل او زود تمام خواهد شد و حیسات آقایان رای می دهند که امروز این مسئله بگذرد .

نایب رئیس - گمان میکنم مذاکرات کافی است .

ارباب کیخسرو - آن لایحه وزارت معارف که خوانده شد و عنوان داشت هم عنوان آمریکا هم اروپا بنده میخواهم بدانم که بکجا می رود چون نمیشود در دو جا رفت خواستم بدانم .

نایب رئیس - لایحه وزارت معارف دو مرتبه خوانده میشود . (لایحه مزبور در نایب قرائت شد)

ارباب کیخسرو - آن عرض که بنده کردم در عنوان بود نه در ماده در صورتیکه در ماده اینطور نوشته شده است دیگر عرضی ندارم .

نایب رئیس - گمان میکنم مذاکرات کافی باشد رای میگیریم در رایورت کمیسیون بودجه که شصت تومان سابقه مخارج تحصیل مترجم نظام را در آمریکا رد کرده است هر يك از آقایان که باین رایورت موافقت دارند ورقه سفید و هر يك که مخالفند و تصویب میکنند مخارج تحصیل و مسافرت مترجم نظام را ورقه آبی خواهند داد (اوراق رای اخذ و آقای حاج میرزا رضا خان بنده ذیل شماره نمودند ورقه سفید (۹) ورقه آبی (۴۰))

نایب رئیس - با اکثریت ۴۰ رای از ۶۷ نفر نمایندگان حاضر رایورت کمیسیون بودجه رد شد

و ۶۰۰ تومان مخارج تحصیل و يك صد و بیست تومان خرج مسافرت مترجم نظام به آمریکا تصویب شد .

نایب رئیس - آقای ادیب النجار پیشنهادی کرده اند دارای دو ماده و ۴۱ نفر از آقایان امضاء نموده اند آن طرح را و بمقام ریاست داده اند و از مقام ریاست هم راجع کرده اند بکمیسیون مبتکرات ولی همه روزها ایشان یادآوری میکنند و مخصوصاً امروز کتباً تقاضا کرده اند و جماعتی هم مساعدت کرده اند با ایشان که بدون رجوع کمیسیون مبتکرات مطرح شور شود حالا اگر مجلس تصویب میکند که بدون رجوع بکمیسیون مبتکرات در جلسه آتی مطرح شود و اگر رای ندهند باشد از کمیسیون برگردد حالا رای میگیریم بدون مذاکره (گفتند که آن راجع بچه چیز است)

نایب رئیس - عرض کردم راجع بکمیسیون مبتکرات شده است دو ماده است که راجع بحقوق اشخاصی است که ضدیت با سلطنت مشروطه کرده اند هر يك از آقایان که موافق هستند که با اندتار ایورت از کمیسیون مبتکرات بیاید و هم منظور در مجلس مطرح شود قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - با اکثریت تصویب شد . دستور جلسه روز شنبه ۲۷ سه ساعت بغروب مانده بقیه شور قانون انتخابات رایورت کمیسیون فوائد عامه راجع بجزیره هرمز - طرح قانونی آقای ادیب النجار رایورت کمیسیون بودجه راجع بحقوق غلامعلی خان و فتح الله خان مجاهد

حاج سید ابراهیم - یکبار دیگر عرض میکنم که دوره تقنینیه و کلاه نزدیک با ختم است و حالا هم بیست و دو سه روز بیشتر نمانده و باید قانون انتخابات بیرون بیاید و در این ایام اعلان انتخاب شود که مردم زودتر بتوانند انتخابات بکنند تا امیدوار باشم باینکه زودتر مجلس افتتاح خواهد شد و تا رایورت کمیسیون نظامنامه تمام نشود نباید داخل در مذاکرات دیگر بشویم ولی باز میبینم هر روز قدری از انتخابات خوانده میشود قدری هم از وقت مجلس صرف کار دیگری میشود از این جهت بنده مخالفم باینکه غیر از انتخابات چیز دیگر مطرح و جزء دستور شود .

نایب رئیس هم منظور است که میفرمائید ولی رایورتی که از کمیسیون برگشته بود همین ۳ ماده بود که امروزه مذاکره شد معلوم است بعد از این که هر چه از کمیسیون برسد مطرح شود میشود و از سایر مطالب مقدمه داشته میشود .

آقای میرزا احمد - بنده این عرض را که میکنم مکرر یادآوری شده است و تا حال اتاری از آن ظاهر نشده است قانون شرکها است که بهترین قانونی بود که میخواست وضع بشود برای این مملکت خیلی فایده داشت و شور اول آن شده است و باینکه دوره ما نزدیک با ختم است رفته است بکمیسیون و هنوز برنگشته است حالا اگر از کمیسیون برگشته است که در جلسه بعد از این جلسه قرار بدهند که بیاید بمجلس و اگر برنگشته است خوب است آقای مخبر کمیسیون بیان فرمایند که چرا برنمیگردد و در سیاه چال افتاده است .

نایب رئیس - امروز مطالبه شد و قرار شد که بعد از قانون انتخابات جزء دستور شود آقای دهخوارقانی توضیحی داشتید .

ارباب کیخسرو - عده کافی نیست که در دستور مذاکره بشود

دهخوارقانی - هر کس میخواهد تشریف ببرد ببرد بنده عراضم را يك نفر هم باشد میکنم چون در يك فقره از عراض بنده گمان میکنم با آقای امام جمعه يك سوء تفاهمی روی داده است لهذا میخواهم آن سوء تفاهم و سوء ظنی را که کشده رفیع کنم بنده چون عرض کردم که در این مملکت مسلمین فرق مختلفه و طوایف هستند و البته مجلس هم نماینده اهل این مملکت است و در مجلس هم ممکن است موجود باشد و عرض کردم عقیده صحیحه که همه فرق جمع شوند و بگویند که فلان عقیده صحیح است در اسلام نمیتوانند بیابانکنند امام جمعه در اینجا اظهار داشتند که ما بآن کسانی که همه عقاید را صحیح میدانند همراه نیستیم البته هم عقیده صحیحه و هم فاسد بنده چنین چیزی عرض نکردم بنده خودم تمام آنچه که سیدالانبیاء آورده است معتقد و موافقم ولی عرضم این بود که جمیع اهل مملکت نمیتوانند يك عقیده صحیحه را معین و مسلم کنند که بگویند عقیده صحیحه این است در اسلام معتزله است انتاعشری هست صوفیه هست شیخیه هست مشرعه هست البته هر کدام از این طوایف عقیده دیگری را فاسد میدانند پس وقتی که گفته شد معروف بنهاد عقیده نباشد هر یکی از آنها پیش دیگری معروف بفساد عقیده است هیچ يك از آنها نباید از دیگران و کبل انتخاب کنند اگر در قوانین اینچنین ذکر شود مسلماً اسباب تولید اختلافات خواهد شد و این خود يك درست برای فساد بزرگ در مملکت که باز میشود

(مجلس يك ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۳۱۰ صورت مشروح روز شنبه ۲۵ شهر شوال المکرم ۱۳۲۹
نایب رئیس آقای میرزا مرتضی فلیحان دو ساعت و سه ربع قبل از غروب بمقام ریاست جلوس کرده و پس از یک ربع مجلس رسماً افتتاح شد . صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۵ را آقای آقامیرزا رضا خان قرائت نمود .

غائبین جلسه قبل : آقایان میرزا علی اکبرخان و آقا سید محمد باقر ادیب بدون اجازه و آقای معین الدوله ۳۵ دقیقه از وقت مقرر تأخیر در حضور نمودند .

نایب رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی نیست ؟
آقای میرزا زاد او دخان - اینکه اینجا نوشته شده است ۶ تومان در حق مادر میرزا جواد اینطور نیست ۳ تومان در حق برادر میرزا جواد ۳ تومان هم در حق مادر میرزا جواد است .

نایب رئیس - دیگر ملاحظه نیست (گفتند خیر) - صورت مجلس تصویب شد جزو ۸ از ماده (۷) (۶ سابق) که بکمیسیون رجوع شده بود رایورتش رسیده و اصلاحی کرده اند خوانده میشود (بمضمون ذیل قرائت شد

۲

قمره ۸۰ از ماده ۷ را بکمیسیون بطریق ذیل پیشنهاد میکند .

۸ - متجاهرین بقسوت و اشخاصیکه فساد عقیده دینی و خروجهشان از دین حنیف اسلام در نزدیکی از حکام شرع جامع شرایط نبوت یا شایع رسیده باشد .

نایب رئیس - در این باب گویا مذاکره لازم نباشد چون بقدر لزوم مذاکره شده است پیشنهاد هائی هم که شده و بکمیسیون ارجاع شده بود برگشته است يك مرتبه دیگر قرائت می شود و رای می گیریم .

آقای محمد - اگر اجازه بفرمائید اصلاح عبارتی است زبانی عرض کنم

نایب رئیس - در این ماده مذاکره شد و پیشنهاد هائی رفت بکمیسیون حالا آمده است دیگر مذاکره نمیشود

ذکاء الملک - بنویسند در نزدیکی از حکام شرع جامع شرایط ثابت و ایشاع رسیده باشد (اصلاح مزبور قرائت شد)

نایب رئیس - رای میگیریم باین جزع پیشنهاد کمیسیون که پیشنهاد شده است هر يك از آقایان که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد باید در تمام ماده ۶ جزء آن در سابق تجزیه و تصویب شد مابقی رجوع شد بکمیسیون و بعد از آنکه برگشت دو جزء آن را برپروز رای دادیم و این يك جزع را هم امروز رای گرفتیم رای میگیریم هر يك از آقایان که تمام این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد از مواد دیگری که بکمیسیون رجوع شده بود هنوز چیزی نرسیده ولی حوزه بندیها برگشته است خوانده میشود (بترتیب ذیل خوانده شد)

عربستان ۴ نفر -- در قزل و توابع ۱ نفر مرکز انتخابیه در قزل شوشتر و ناصری و توابع یک نفر مرکز شوشتر محمره فلاحیه و جراحی و سایر بنادر يك نفر مرکز محمره بنی طرف و حویزه و بساطین ۱ نفر مرکز بنی طرف .

حاج سید ابراهیم - عرض بنده اینست که در غالب این مواد مذاکره خیلی شده است گمان میکنم با سبق وقت خوب است رای بگیریم
بهجت - یکمرتبه بخوانند (مجدداً جدول فوق بقاضای آقای بهجت قرائت شد) .

بهجت - خیلی اینجا تعجب میشود که چرا اینگونه مسائل بدون هیچ تعمقی میگردد مثل اینکه بنده يك پیشنهادی کرده بودم در باب حوزه بندیها جزء و عبعده کرده بودم بلوک شرقی و غربی و سایر نقاط هم عربستان را و خیلی مفصل و مشروح نوشته شده بود و در اینجا خوانده شد و قابل توجه شد و هیچ در اینجا قید نشده است در صورتیکه چنانچه عرض کردم آرزوی اکثریت مجلس هم رای داد و این يك مطلبی است که منبهد هم باید معلوم شود که پیشنهاد های مجلس را کمیسیون میتواند رد بکند یا ممکن نیست بنده گمان میکنم هیچ وقت پیشنهاد های مجلس را کمیسیون نمیتواند رد بکند

بلکه اگر قابل توجه شد و بکمیسیون رفت کمیسیون اصلاح میکند اگر قابل اصلاح هست هر چیزیکه اینجا قابل توجه نشود و بعد از آنکه آن پیشنهاد بنده قابل توجه شد مخبر تقاضا فرمودند که برود بکمیسیون برای اینکه حوزه بندیهاش درست و مرتب شود بدینیه است اگر بنا شود پیشنهاد هائی که قابل توجه میشود در مجلس شورای ملی کمیسیون نمیتواند آنرا رد بکند اینکه يك قانونی که پیشنهاد شده باشد بمجلس بعد در آن شور شود و بعد در کلیات او مذاکره بشود و برود بکمیسیون هیچ کمیسیون حق ندارد که این قانون را رد بکند این يك چیزی است که فقط باید بوقتیکه يك سنائی توانسته باشد اینکار را بکند که پیشنهاد یا قانون مجلس وارد بکند والا اگر بنا شود که کمیسیون بتواند که پیشنهاد ها را رد بکند پس هر کمیسیون يك سنائی میشود برای مجلس بنده عقیده ام اینست که این مسئله يك مسئله است که باید آن محل اعتناء قرار داد چه طور میشود يك چیزی را که مجلس شورای ملی یا اکثریت رای داد رد کرد اگر بخوانند در کتب پارسی یا کتب دلالی آن را رد بکنند حالا بنده از مخبر سوال میکنم که آیا بعد از آنکه پیشنهاد شد قابل توجه شد آیا تحقیقاتی از محل کردند خیراز حکامیکه در آنجا حکومت داشته اند سوال کردید خیر يك نقشه خرافی نظری کردید خیر فقط چیزیکه در نظر داشتید این بوده است که عده و کلاه زیاد نشود عدد و کلاه هم کم زیاد شده است و بکنفری را هم اکثریت مجلس قبول کرد کمیسیون چه طور بدون دلیل رد میکند بملاوه شوشتر بندر ناصری و محمره و فلاحیه و جراحی و غیره با توابعشان میدانید چقدر جمعیت دارد که ما آن هارا یکی بهمیم محمره و فلاحیه با این سوا فلیکه اینجا نوشته شده است نصف عربستان است نقشه را نگاه کنید ببیند فلاحیه در کجا واقع شده ناصریه در کجا محمره در کجا بهائیکه در اینجا هستند چقدرند اگر چه بنده بهیچوجه من الوجوه طرفداری از هر یکستان تنها نمیکنم ولی نظر با اطلاعاتی که دارم نمیتوانم صرف نظر بکنم خطیهای پستیکی هم لازم نیست که در دوره استبداد کار بکنند ممکن است يك مملکت باناری از دست عثمانی برود اینها خطیهای پستیکی است که ممکن است در يك دولت مشروطه هم واقع بشود بنده میبرسم بعد از آن روزیکه مجلس رای داد که یکنفر عربستان علاوه حق دارد آبانچه قاتی در آن باب کردید یا نه پس اگر تحقیقاتی نکردید بایستی اکثریت مجلس را بر اکثریت کمیسیون مقدم بنارید نه بالعکس و بنده در اینجا عرض میکنم که هیچ کمیسویی سنا نیست نمیتواند پیشنهاد مجلس را رد کند بعد يك وقتی يك چیزی را که پیشنهاد می کنند بکمیسیون میروند اصلاح میکنند اما کمیسیون نمیتواند آن را رد بکند آن هائیکه در اینجا قابل توجه شد قابل اصلاح نیست که بتوانیم از او کسر کنیم بکنفر است و قابل کسر نیست بله در يك چیزیکه دارای موادی باشد و جزئیاتی و اجزائی داشته باشد ما میتوانیم در کمیسیون نظریاتی بکنیم وقتیکه مجلس تصویب کرد که پنج نفر بر بستان داده شود اگر در حوزه بندی های کمیسیون تغییر و تبدیلی دارند بدهند والا ممکن نیست کمیسیون که بگوید که من اکثریت خودم را بر اکثریت مجلس ترجیح

میدهم و بنده این را خلاف قانون میدانم از اینجهه مجدداً پیشنهاد خودم را تقدیم مجلس میکنم خواه قبول شود خواه رد .
ذکاء الملک (مخبر کمیسیون) در خصوص اینکه عربستان باید پنج نفر داشته باشد البته هر طور مجلس تصویب بکند اختیار با مجلس شورای ملی است در خصوص آنکه اگر چهار تا داشته باشد منافع پستیکی از دست ما می رود و اگر پنج تا داشته باشد يك منافع می تواند حفظ بکند بنده این را هم عرضی ندارم عرض بنده در اینست که میفرمائید کمیسیون انتخابات سنا شده است و رای مجلس را بر میدارد در این باب میخواستم رد بکنم فرمایشات آقای بهجت را و عرض میکنم که این قیاس غلطی است البته مجلس شورای ملی در آراء خودش مختار است در هر وقت هم میتواند يك مطلبی را رد یا قبول بکند ولی يك مسئله در مجلس قابل توجه میشود و می رود بکمیسیون همین لفظ قابل توجه شدن میماند که یعنی چه اگر بنا بود مجلس رأینکه میدهد در قابل توجه بودن پیشنهاد های رای قاطعی بود دیگر نمیتواند قابل توجه شد و نمیفرستادند بکمیسیون و نظر کمیسیون را در او مدخلیت نمیدادند حالا می فرمایند که این امر جزئی است و نمیبایستی کمیسیون در او نظر بکند بنده او را نمیدانم از چه پایه ایست ولی عرض میکنم که اینکه میگوئیم يك پیشنهادی قابل توجه شد یعنی قابل توجه است و صلاحیت آنرا دارد که در آن مذاکره بکنیم و ببینیم آیا واقعا میبایستیم یا نه بجز اینها که اگر رد شده را بکمیسیون دیگر نمیتوانست در آن داخل مذاکره شود و آقای بهجت پیشنهادیکه کردند پنج نفر داده شود اگر مجلس رد کرده بود دیگر کمیسیون حق نداشت که داخل آن مطلب شود ولی حالا کرد شده کمیسیون حق دارد که نظر در آن بکند و بگوید تصویب یارد میکنم رد کردن کمیسیون هم که دلیل نمیشود که مجلس شورای ملی هم بگوید رد میکنم مجلس بهمان حق خودش باقی است اگر حالا هم نظرش با نظر کمیسیون تفاوت داشته باشد و همان رای سابق خودش را تصدیق داشته باشد باز هم رای میدهد که پنج نفر باشد و قطع بشود و شاید بنا بر توضیحاتی که از طرف داده شود رای مجلس برگردد و مادامی که رای قطعی در يك چیزی داده نشده است مجلس مختار است که رای خودش را بدهد یا ندهد و کمیسیون سنا شده است بر فرض هم که سنا بشود باز هم همین طور است فرق نمیکند يك چیز را که کمیسیون رد کرده است مجلس شورای ملی حق دارد که باز در آن نظر بکند فرمایشی را که فرمودند قیاس است که با این مطلب مناسبت ندارد و مسئله که قابل توجه میشود یعنی قابل توجه است باید در آن نظر کرد که بهیچوجه بایستی قبول بکنم یارد بکنیم این مسئله هم قابل توجه شد یعنی لازم شد که کمیسیون انتخابات در او نظر بکند و هم منظور هم شد کمیسیون انتخابات در آن نظر کرد مذاکرات هم شد کمیسیون انتخابات رای ندادند که عربستان پنج نفر و کبل داشته باشد و اینکه کمیسیون اکثریت خود را ترجیح داده است برای و اکثریت مجلس خیر همچو چیزی نیست این در صورتی است که مجلس رای قطعی بدهد و هر وقت هم که مجلس

رای قاطع داد ابتدا کمیسیون حق ندارد که در او نظر بکند حالا هم رای کمیسیون را رد کردند باز رای مجلس مضاعف و متمم است و اگر پیشنهاد کمیسیون را قبول کردند آقای بهجت هم نباید اطاعت بکند .

نایب رئیس - در این باب آقایان متوجه باشند که شور سیم است و پیش از این مذاکره نشود که پیشنهاد هم از طرف آقای حاج عبدالمالک و آقای بهجت شده در پنجگونی از طرف بهجت بطور مطلق قابل توجه شدن است که سابقاً قابل توجه شده است و بکمیسیون هم رجوع شده است دیگر نشود در آنها رای گرفت حالا برای پورت کمیسیون رای میگیریم که در وقت آتوقت باینها میتوانیم رای بگیریم پورت کمیسیون خوانده میشود رای میگیریم (باز هم رای پورت کمیسیون قرائت شد)

حاج سید ابراهیم - اول پیشنهاد که کرده اند در آنها رای گرفته شده است و قابل توجه هم شد است و برگشته است باین ترتیب حالا مجدداً بآن پیشنهادها نمیشود رای گرفت

نایب رئیس - رای میگیریم پیشنهاد کمیسیون برتری که خوانده شد - هر یک از آقایان تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - با اکثریت چهل و یک رای تصویب شد (حوزه بندی فارس بر تریب ذیل خوانده شد) فارس ۱۳ نفر شیراز - مروستان - گرمی - زرقان - دشت - ازسجیان - مرودشت - نیریز - اصطهبانات - کازرون - مینش و بیضا - اردکان پنج نفر - مرکز انتخابیه شیراز منا - داراب یک نفر - مرکز آفید - بوئانات یک نفر مرکز آفاده - بهبهان - کوه گله یک نفر مرکز بهبهان بوشهر - برازجان - خورموج - شیابکاره تنگستان ۲ نفر مرکز بوشهر - بندر لنگه - بستک یک نفر مرکز - لار .

عباسی - میناب - فورک - طارم یک نفر - مرکز عباسی - جهرم - فیروز آباد فروش تپه یک نفر مرکز جهرم

حاج دکتر رضا خان - بنده دیگر مکرر نمیکند عرض را که در انتخاب جسمی در هر جایکه زیاد از یکی با طرف حق داده بودند عرض کردم آن عرایض من با تمام رسید اما برای یاد آوری باز توضیح میخواهم از آقای مغیر که شاید تا آخر یک جانی یک دلیلی بشنورشان بیاید قانع کند الان چند جمعیت در شهر شیراز است گمان میکنم زیاد بر بیجا شصت الی صد هزار و دیگر از صد هزار بیشتر نمیتوانم بمانم که بیشتر جمعیت دارد آتوقت شیراز و توابعش را هم مثل کرمان و توابعش چهار صد هزار تا باید تصور کرد بیایند شیراز برای بدهند و پنجگونی وکیل بآنجا حق داده اند بنده مخالف با پنجگونی بنده شاید تعداد نفوس ا اراف بالغ بر بیست هزار باشد لیکن غنا اینکه این چهار صد هزار نفر اطراف که بلوک است و قصبه جات دارد و باید انجمن نظارت هم بآنجا ها برود باید برگشت بکند تا یکصد هزار نفریکه در یک شهر کوچکی هستند در واقع حکم یکصد هزاره را دارد و می تواند دوازده نفر جمعیت بکند و هر چهار پنجگونی را خودشان انتخاب بکنند چیست و در آن

و فتنه خود در کمیسیون بودم و آن حوزه بندی که شده بود تمام انتخابش فردی بود و هزار گونه ملاحظاتی شده بود در باب همین شیراز در کمیسیون نشستیم و رای دادیم بالاخره حوزه بندی آنجا تقریباً نزدیک باجرام بود و باز اینجا برگشته است و پنجگونی شده است و بنده عرض میکنم این پنج نفر وکیل در واقع یک وکیل حق شیراز است با این ترتیب چهار نفر دیگر و کلای خارج را هم شیراز خواهند برد و آنها یک عمل لغوی خواهند کرد که یک زحمتی می کشند بیجست و یک پنجگونی را میسند و محروم خواهند شد و حقیقت کار هم مشکل تر کرده ایم برای اینکه هر صد هزار نفریکه بخواهند یک نفر را بگیرند حتماً یک نفر عالم متدین بصیر بینائی را میتوانند پیدا بکنند ولی وقتیکه بنا شده نفر دهنه باشد نمیتواند و کلای خوب پیدا بکند یک نفر خوب پیدا خواهد کرد زیاد از یک راه مشکل میتوان پیدا کرد و ناچار میشود که یک نفر را که لایق و کالت باشد و شایستگی نمایندگی نداشته باشد بنویسد .

حاج سید ابراهیم - بنده عرض میکنم خوبست قدری نظر بینا ازیم بوجودات خارجی و اوضاع و حالات خارجی که در مملکت هست و تمامش و ترتیبات صور ذهنی و مفاهیم ذهنی را که در چنان مرتب میکنم و هیچ مانعی و مزاحمی برای ترتیب آن نیست دلائل خارج را در کار نباوریم خوبست نباوریم پس بنابر آنکه ملاحظه حال خارجی مملکت را بکنیم و نظری بای بیای تحت و بجایهای دیگر بیندازیم مثلا در آذربایجان که ۱۹ نفر حق انتخاب بآنها داده ایم بشهر تبریز که خودش نه صد هزار نفر جمعیت ندارد ۹ نفر حق انتخاب دادیم تصحیح این مطلب باین شد که انجمن جزء بان ها میبندیم هر نقطه که نتوانند حاضر بشوند از حق انتخاب محروم نباشند و بالنسبه اگر هم محروم بشود همان بعض اطراف غیر مهم محروم بشوند و مهمانکن از اهالی شور را انتخاب کنیم که ابصر و هوشتار ترند بامور مملکتی پس باین نظر بود که ۱۲ نفر با انتخاب جمعی برای طهران قبول کردیم و رای دادیم و خود آقای دکتر هم قبول کردند و رای دادند و مخالفتی هم نکردند و همینطور هم در باب آذربایجان ۶ نفر به شهر تبریز و بعضی اطراف انتخاب جمعی دادیم بملاحظه همین دو نکته در شیراز هم این ملاحظه شده است که در اطراف این نقاطی که منضم شده است از پنج فرسخی تا ده فرسخ و ۱۵ فرسخ این ملاحظه شده است و حق تشکیل انجمن جزء بآنها داده شده است که از دادن رای مهمانکن محروم نشوند و نظر دیگر در این انتخاب جمعی و این انتخاب جمعی اندکی موافقت با نظر دولت بود که می گفتند که باین حوزه های زیاد نه و کلا سرعت انتخاب میشوند و نه آنکه در آن انتخاب بطوریکه لازم است دقتی خواهد شد و نه اشخاصیکه البت و انساب باشند انتخاب خواهند شد ولی ما آن نظر دولت را بآن قسمی که دولت نظر داشت قبول نکردیم ولی اینکه حوزه های کوچک که بر صد هزار نفری داشته باشند و یک نفر را انتخاب بکنند هم قبول نکرد و هم بملاحظه رعایت هر دو نظر بعضی مراکز را انتخاب جمعی دادیم که مراعات هر دو وجهه و دو نظر شده باشد باین

ملاحظه پنجگونی برای فارس و اطراف و نزدیک آن معین شد و واقف مناسب هم می آمد یعنی از وضع انتخاب جمعی درجه دوم و سیم و چهارم زمین گذاشتیم و درجه ۹ و ۸ را از برای شیراز گرفتیم که نفر باشد در عمل هم رفته این حوزه هشتصد هزار جمعیت دارد و از روی آن ه نفر دادیم چنانچه اگر یکی از نقاطش را که ملاحظه بکنند و اطلاع بهم رسانند همان قیاس همه جا معلوم خواهد شد حالا اگر بخواهند تجزیه نمایند و نظر دولت و ترتیبی را که در سایر مراکز منظور داشته ایم در فارس گذارند و نظری به آن مطالب نداشته باشند و نظری هم سرعت انتخاب و خوبی منتخب نداشته باشند واهی بنی نهم کنایه البت و ابصر باشد می خواهد باشد می خواهد باشد می خواهد در انتخابات فارس علاشکالاتی باشد می خواهد باشد ممکن است همین کار را بکنند یعنی اطراف شیراز و نزدیکانش را یک نفر بدهند و جاهای دیگر را هم یک نفر بدهند ولی لازم است عرض بکنم که ترتیب انتخابات جمعی با فردی در شیراز و اطراف اهمیت ندارد هر قسم مجلس رای بدهد نوشته شده و میشود ولی باید دانست که دولت نظر دقیق کرده است کمیسیون هم چندین مرتبه نظر صحیح کرده و همچو صلاح دانست که این نکته را ملاحظه بکنند تا بالنسبه بیکو کلای بصیری زدود با انتخاب سربسته فراهم بیاید حالا ایشان اگر نخواهند نظر دولت را مراعات کنند و بخواهند که انتخابات را در همه جا فردی کنند آن یک نظری است ولی نظر دولت غیر از این بود .

دکتر حاج رضان - اجازه بفرمائید نسبتی بمن داده شده که حرفی زده ام و حال اینکه اینطور نبود .

نایب رئیس - تمام آن مطالب سابق را اگر بخوایم مکرر کنیم آتوقت شور سوم خواهد شد .

دکتر حاج رضا خان - یک نسبتی بمن داده اند اجازه بفرمائید تارفع کنم .

نایب رئیس - رفیع نسبت را بفرمائید .

دکتر حاج رضا خان - بمن نسبت داده اند که من در آذربایجان و طهران رای در انتخابات جمعی دادم در صورتیکه نطق من حاضر است و در صورت مشروح مجلس نوشته شده است و همینکه مخالفت بنده از تبریز شروع شده است تا اینجا رسیده است و بنده از ابتداء تا بحال مخالف بوده ام و ابداً رای نداده ام آقا اشتباه بفرمائید (دو مرتبه حوزه بندی فارس خوانده شد)

نایب رئیس - رای میگیریم بعرضه بندی فارس بطوریکه قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب شد حوزه بندی کاشان قرائت میشود (بطور ذیل خوانده شد) کاشان دوازده نفر همانطور که در راپورت سابق نوشته شده است .

ذکاء الملک - اینجا پیشنهاد شده بود و در مجلس که حوزه کاشان را تجزیه کنند بنابر این بنده در باره تجزیه تمایل داشتم از جاع بکمیسیون شد و در کمیسیون که مذاکره و توضیحات داده شد دیدیم نمی شود تجزیه کرد بجهت اینکه دیدیم اگر بخواهیم تجزیه بکنیم ترتیب آن حوزه یک طوری است که خیلی بی تناسب میشود

مثلا پیشنهاد شده بود که نظری را یک حوزه بکنیم و جوشان را هم یک حوزه و هر کدام را یک نفر بدهیم بنده معلوم شد که این ها نسبت جمعیت و مکانیشان یکدیگر طوری است که اگر تجزیه بکنیم بی تناسب میشود و مناسبت مکان و جمعیت این ها همه متنقضی این است که جمعی باشد با اینکه جوشقان و نظری و کاشان را مصلحت دیدیم که یک حوزه دو نفری باشد .

نایب رئیس - رای میگیریم در حوزه بندی کاشان بطوریکه کمیسیون پیشنهاد کرد و قرائت شد آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب شد حوزه بندی کرمانشاه بتفصیل ذیل خوانده شد - کرمانشاهان ۴ نفر کرمانشاه و اطراف ماهی دشت و فرهان میان دربند زیر دربند - بلده - جلالوند - کلهر - ذهاب - کرند قصر شیرین - سنجایی - گوران - سنقر - کلبانی - جمجال - دینور - هرسین - بیستون - صحنه - کنگاور و سایر توابع ۴ نفر - مرکز کرمانشاه

آقا میرزا ابراهیم خان - بنده مخالفتی با اینکه پیشنهاد سابق بنده در کرمانشاهان رده شده باشد ندارم ولی سایر آقایان شاید یک نظر دقیقی تصدیق بفرمائید که ما باین ترتیب ۴ نفر نماینده را بشهر کرمانشاه میبندیم و بنا به اینها بنده ۲ نفر نماینده برای شهر کرمانشاهان کافی میدانم در صورتی که آن پیشنهادیکه کرده بودم رد شده باشد و هیچ راضی نباشم که یک شهری ۴ نفر وکیل بدهند و چهار صد نفر جمعیت دیگر را محروم از یک نفر نماینده در دارالشورا کرده باشیم .

آقا سید حسین گزازی - در خصوص انتخاب فردی و جمعی خیلی مذاکره شده است و گمان میکنم دیگر محتاج مذاکره نباشد و البته خاطر آقایان متوجه این نکته است که این قانون را که وضع میکنیم باید دو نقطه نظر را از خاطر محو بکنیم اولاً مقتضیات محل و مکان ثانیاً ترتیب حوزه بندیها و بنده عرض میکنم که اگر بخواهیم این حوزه را تجزیه بکنیم بر تریب انتخابات فردی این ترتیب اسباب این میشود که از آن جا نماینده نداشته باشیم و دیگر این که نمی دانم فرق مابین کرمانشاه با سایر جاها چیست که آقای میرزا ابراهیم خان دو نفر را برای آنجا کافی میدانند بنده گمان میکنم هر گاه بخواهند تجزیه بکنند هیچ وقت موفق بآن انتخاب نخواهند شد و نماینده نخواهیم داشت و تقاضا می کنم که رای بگیرند اغلب نیز اظهار کردند رای بگیرند .

نایب رئیس - مذاکرات بندر کفایت شد و مخالفت هر یک از آقایان هم معلوم است رای میگیریم در حوزه بندی کرمانشاه بطوریکه خوانده شد هر یک از آقایان تصویب می کنند قیام کنند (رای مشکوک شد)

نایب رئیس - دوم مرتبه رای میگیریم آقایان که موافقت و تصویب میکنند قیام کنند (اغلب قیام کردند)

نایب رئیس - با اکثریت ۳۶ نفر از ۷۰ نفر ما پندگان حاضر تصویب شد حوزه بندی فردی خوانده

میشود بر تریب ذیل خوانده شد .

قزوین - دو نفر قزوین - طالقان - خرقان - افشار بکش لو - الموت - رود بار - بلوک زهرا و غیره ها ۲ نفر - مرکز قزوین .

ادیب التجار - اجازه بفرمائید .

نایب رئیس - سه نفر قبل از شما اجازه خواسته اند اگر بنا شود که مذاکره بکنیم باید اول بآنها اجازه داده شود تا نوبت بشما برسد

ادیب التجار - بنده بهمان جور سابق اجازه ای که داده اید به آقایان اجازه میخواهم بنده هم اجازه بفرمائید .

نایب رئیس - این فقره مذاکره میخواهد (مختلف اظهار شد)

نایب رئیس - رای میگیریم که مذاکرات کافی است یا غیر - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - مذاکرات را کافی دانسته یک مرتبه دیگر خوانده میشود و رای میگیریم -- (مجدداً خوانده شد) آقا میرزا احمد و محمد هاشم میرزا یک لفظ ایلاتی بیفزایند .

نایب رئیس - آقای مغیر قبول دارید **ذکاء الملک** - بله بیفزایند

نایب رئیس - رای میگیریم بعرضه بندی قزوین بطوریکه خوانده شد با اضافه لفظ ایلات هر یک از آقایان تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب شد حوزه بندی کرمان خوانده میشود (بتفصیل ذیل خوانده شد) کرمان و بلوچستان ۷ نفر

کرمان ماهان - قناتستان - لنگر - سر آسار این هرتک - چترود - جواری باغین - کویراب - کره یاب - خویس - یکهات - کشت - سیرج - کوه - راور ۲ نفر مرکز کرمان - رفسنجان - انارنون - زرنده - کوهنان - خاماان ۱ نفر مرکز رفسنجان - سیرجان و ایلات خمسه - بادیز - سرد سیر - اقطاع - ایل افشار - ایل لک بزنجان - ارزویه - رابر - قره العرب ۱ نفر مرکز سیرجان - رابن تهرود - پهنرماشیر - ریگان ۱ نفر مرکز بی جیرفت - اسفندقه - جبل بارز - رودبار - ساردویه - مٹی ۱ نفر مرکز قهرج - بلوچستان - یک نفر .

نایب رئیس - این پیشنهادی است که از مجلس رجوع شده است بکمیسیون و کمیسیون حوزه بندی را پیشنهاد کرده فرستاده است رای میگیریم بعرضه بندی کرمان بطوریکه خوانده شد هر یک از آقایان که تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد حوزه بندی گیلان گیلان خوانده میشود (بر تریب ذیل خوانده شد) گیلان ۶ نفر - دشت و توابع و رحمت آباد و رودبار ۲ نفر مرکز دشت - انزلی غاربان و توابع و تولم ۱ نفر مرکز انزلی خمسه - طوالش ماسوله ۱ نفر مرکز کرکان رود - فومن - شفت - کسگر ۱ نفر مرکز فومن - لاهیجان - لنگرود - رودسر - دلیلمیان - عمارلو ۱ نفر مرکز لاهیجان .

نایب رئیس - رای میگیریم بعرضه بندی

گیلان بطوریکه خوانده شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد حوزه بندی مازندران خوانده میشود (بطور ذیل خوانده شد) مازندران پنجگونی - ساری اشرف سواد کوه بندی علی آباد دودانگه چهار دانگه دو نفر - مرکز ساری - بار فروش آمل مشهد سر لاریجا نور آجور کلاردشت کلاردستان ۳ نفر مرکز بار فروش .

نایب رئیس - رای میگیریم بعرضه بندی مازندران آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد حالا ملل متنوعه خوانده میشود (بتفصیل ذیل خوانده شد) ملل متنوعه چهار نفر ارامنه آذربایجان و گله آنها - یک نفر ارامنه نقاط جنوب - یک نفر زردشتی یک نفر - کلبی یک نفر مرکز بشیرین وزارت داخله

نایب رئیس - در این باب هم مذاکره خیلی شده است رای میگیریم (گفته شد این مسئله مذاکره لازم دارد)

معزز الملک - پس بنده تقاضای تجزیه میکنم که مابقی رای گرفته شده فقط در همان مفاد ارامنه مذاکره شود

افتخار او اعظمین - حقوق یک مدتی از بین رفته باید مذاکره شود

نایب رئیس - اگر در این باب مخالفتی هست رای میگیریم در ختم مذاکره آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد که کافی است حالا رای میگیریم پیشنهاد بطریقیکه خوانده شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد حالا چون حوزه بندیها تمام شد باید رای در ماده گرفته شده که عبارت از کلیه حوزه بندیها است و یک مرتبه دیگر در کلیات جدول حوزه های انتخابیه مذاکره میشود آن وقت رای میگیریم -

معزز الملک - بنده تصور میکنم بهتر این بود که در حوزه بندی ها را هم در کلیه قانون انتخابات مبرک فرید بجهت این که این ماده ضمیمه است بقانون انتخابات وقتیکه بقانون انتخابات رای گرفته شود حوزه بندیها هم گرفته میشود -

نایب رئیس - توجه میفرمائید ماده دوم که عبارت از حوزه بندیها بود در آن رای گرفته نشد حالا باید رای بگیریم بنده دوم چون بنده دوم میخواهم رای میگیریم اینستکه عرض کردم در کلیات حوزه بندی ها اگر مخالفتی هست بفرمائید

معین الرعایا - عرض کنم که در شور اول این قانون این مسئله بکلی اینجا قطع شد که برای هر چند هزار نفر یک نفر وکیل داده میشود و بعد از این که داخل تقسیمات این شدیم از آن اطلاعاتیکه بنده در نقاط آذربایجان و عراق و سایر نقاط ایران دارم میبینم که این قاعده ابداً مراعات نشده در جلسه روز پنجشنبه ۱۸ در اینجا مکرر از بنده اسمی برده شده که فلان کس در کمیسیون بوده لازم است عرض

کنم که بنده را چند مرتبه در کمیسیون برای کسب اطلاع نسبت باذربایجان خواستند بنده هم حاضر شده و اطلاعات خود را عرض کردم و همیشه باین عده که برای آذربایجان معین شده بود مخالفت داشتم و کم میدانستم اما خدا میداند تمام مخالفت من از روی حفظ حقوق ملت ایران بود نه برای آذربایجان و فعلا هم نمیخواهم داخل فلسفه و جزئیات آن شوم اگر چه حالا هم باین عده که برای آذربایجان معین شده است با یک نفر و کبیل ایل شاهسون اردبیل و مشکین و یک نفر برای ملت ارامنه که با آذربایجان داده شده است باز کم میدانم و میتوانم در این باب هرايش خود را با يك دليل محكمی بمرض مجلس شورای ملی برسانم و گمان هم نمیکند پذیرفته شود چنانچه در غالب ولایات و ایالات توضیحات داده شد و بر عده وکلای آذربایجان افزودند الا این که در همان جلسه پنجشنبه ۱۸ آقای محمد هاشم میرزا و آقای آقا شریعی آقا محضوفاً بیاناتی فرمودند که طوری میشود مثل این که نفوذ مالیه از روی صمیمیت نوده از نظر دیگری بوده چون بنده هر يك از نمایندگان مجلس شورای ملی را نماینده تمام ایران میدانم یعنی وکیل فارس و عربستان و خراسان و سایر نقاط و چنانچه حقوق فارس عربستانی خراسانی را حفظ میکنند و همان طور هم حقوق آذربایجانی کردستانی لرستانی را هم حفظ میکنند اینست که بنده دیگر نمیخواهم عرض میکنم و عرایض خود ختم میکنم و از سایر نمایندگان آذربایجان هم تقاضا میکنم که در این مورد باینده همراهی نموده مخالفت نکنند اما عراق را بنده از روی کمال اطمینان میتوانم عرض بکنم که شهر سلطان آباد عراق با سایر نواح و بلوکاتش اگر جمعیت کم او را هم بخوادم بگیرم يك کرور جمعیت دارد و از هر جهت از نقاط مهمه ایران است چه از جهت صفت و تجارت و چه از جهت آبادی اهمیت دارد و عراق جاییت فزون خیز و یکی از آنجاها نیست که اهالی آن چنین و آن دوست هستند چنانکه هر يك و جب خاک عراق را با جان خودشان برابر میدانند نهایت يك اندازه نظرشان محدود است اگر نظر آنها يك اندازه وسعت پیدا بنماید که تمام ایران را مثل خاک عراق فرض نمود در حفظش خواهند کوشید اینست که بنده تقاضا میکنم که يك نفر بر عده وکلای عراق افزوده شود که جمعاً بشود سه نفر و این پیشنهاد را هم تقدیم می کنم .

ذکاء الملک - فرمایشات آقای معین الرعايا صحیح است بنده هم تصدیق میکنم که حالا اگر ممکن بود شاید کمیسیون موافقت میکرد یعنی آنطوریکه حیات مجلس را ملاحظه میکنم شاید کمیسیون هم موافق بود اگر ممکن بود بنده نمایندگان آذربایجان اضافه شود در صورتیکه بنده سایر نقاط افزوده شده است یعنی بعد از آنکه کمیسیون رأی داد بعد نمایندگان آذربایجان به ۱۹ نفر نظرش باین بود که در سایر نقاط هم همانطور است که رأی داده شد در کمیسیون و اگر میدانستیم در کمیسیون ما این مطلب را شاید هم بر عده آذربایجان میافزودیم لکن چیزیکه هست

اینست که گمان میکنم نشود بر این عده افزوده و نتوان این پیشنهاد را کلبه قبول کرد چون در محل رأی قطعی داده شده است و حالا دیگر بعد از آن رأی قطعی نمیتوان قبول کرد اگر رأی قطعی داده نشده بود فوراً قبول میکردم ولی بنده تصور میکنم بعد از دادن رأی قطعی نشود بر آن عده افزوده و اما در خصوص اینکه کلبه کم بودن نمایندگان يك نقطه یا زیاد بودن آنها آنقدرها جای دلخوری نیست بجهت اینکه اگر قطع داشته باشیم که از عده نمایندگان آذربایجان يك نفر شده است و آذربایجان يك نفر معنون است یا فلان ولایت يك نفر معنون شده است فلانجا نسبت بخودش يك نفر اضافه شده است اولاً معلوم است که این کار از اول تمهید نشده است بجهت اینکه مکرر اینجا اظهار شد که ما يك احصائیه صحیحی نداریم که از روی آن عده اهالی ولایات معلوم باشد تا اینکه بر خلاف او کرده باشیم یعنی عملاً ما اینطور کرده باشیم و يك نفر را بخودمان مأخذ قانونی قرار داده باشیم و بقیه داشته باشیم که فلانجا صدهزار نفر جمعیت دارد آنوقت آنها زیاد باکم داده باشیم اینکار را که نکردیم و دیگر خود آقای معین الرعايا هم فرمودند و قانون اساسی میگوید که نمایندگان ولایات از هر جا که انتخاب شوند نمایندگان تمام ایران هستند و بنده موافق با آن فرمایشیکه اینجا در يك موقعی آقای هشترودی فرمودند و بنده هم قبول دارم اینست که آمده اند تقسیم کرده اند نمایندگان را میان نقاط مختلفه و میگویند هر صد هزار نفر آنها مثلا يك نفر انتخاب کنند این برای اینست که اگر میگفتند تمام نمایندگان ملت ایران را با السویه انتخاب صوبیست یابد و جهت نفر میخواهم برای ایران انتخاب کنیم و هر فردی از افراد ملت ایران باید صدو بیست یا چهل نفر را بنویسند این عملاً ممکن نمیشد يك اشکال بزرگش این بود که يك نفر آدم نمیتوانست صدو چهل نفر آدم پیدا کنند که با اعتماد داشته باشد و اگر این ممکن بود آنوقت هیچ نماینده اختصاص هیچ نقطه نداشت حالا بنده عرض میکنم شهبه را خیلی قوی بگیریم فرض بفرمایند از عده نمایندگان آذربایجان يك نفر کم معین شده باشد این چه نتیجه سوئی خواهد داشت برای اهالی آذربایجان که ما فرض کنیم این اسباب دلخوری است و آنوقت بخواهید حتماً او را تغییر دهید بالاخره مطابق این قانونیکه حالا گذشت تمام ایران صدو سی و شش نفر نمایند خواهد داشت آنوقت اهل عراق در دو نفر و اهل جای دیگر در يك عده دیگران شرکت خواهند داشت این آنقدر مهم نیست که بر بخورد مثلا اینجا همیشه مکرر مذاکره میشود که فلانجا بواسطه تجارت اهمیت دارد یا از جهت بلتیک مهم است و باینجهت باید عده نمایندگان آنجا زیاد شود و این دلیل نمیشود تجارت آنها زیاد است چه بعضی دارد باینکه عده نمایندگان آنجا را باید زیاد کرد مگر نمایندگان چه باید بکنند که عده شان باید زیاد باشد نمایندگان اینجا میباید که وضع قانون بکنند برای عموم ملت آنوقت این نمایندگان از هر جا آمده باشند قرن نمیکند منتهی اینست که بر حسب ظاهر

میخواهم يك ضابطه را اخذ کرده باشیم حالا چه ضابطه را اختیار بکنیم میگوئیم تقسیم میکنیم ملت را بر حسب جمعیت بخوره هائیکه هر کدام فلانقدر جمعیت داشته باشد و الا حقیقتاً تفاوتی نمیکند که نماینده يك منی را يك عده زیادتری اینجا و یک عده زیادتری را آنجا انتخاب بکنند مقصود بنده اینست که اولاً نمایندگان آذربایجان ۲۱ نفر است يك نفر نماینده کلدانیها و ارامنه است و يك نفر هم نمایندگان ایلات است و بهر حال آنها هم کلدانیها و ارامنه و شاهسونها جزء عده اهالی آذربایجان حساب میشوند و اگر آنها را بیرون بنمائیم آنوقت آن اندازه که میگویند آذربایجان جمعیت نخواهد داشت پس آذربایجان ۲۱ نفر جمعیت دارد ثانیاً اینکه اگر تصور هم بکنند که جمعیت او قدری بیشتر باشد و يك نفر یا دو نفر از آن جمعیتی که فرض میکنند کم شده باشد این چیزی نیست که اسباب دلخوری میشود که ما تصور کنیم که يك نفع بزرگی از آذربایجان فوت نموده است که اهمیت بدیهی این طور نیست و این ملاحظاتی اهمیت بلتیک و تجارتي هم آنقدر مهم نیست که بگروئیم حق آنها از بین رفته است و بنده هم مدعی نیستم که این قانون انتخابیکه نوشته شده است تمام مطابق واقع است یا اینکه عده نمایندگان که به سایر ولایات داده شده است تمام مطابق واقع شده است غیر از آذربایجان هم ممکن است خیلی نقاط که دیگر هم باشد که معنون شده باشد زیاد تر یا کمتر بان ها داده باشد ولی کلبه این را اهمیت ندارد که فلان جا زیادتر شده یا کمتر شده است و بالاخره عرض میکنم اگر ممکن بود قبول کرد کمیسیون قبول میکرد لکن بطوری که عرض کردم چون در مجلس رأی گرفته شد و این را هم رأی قطعی است نمی شود قبول کرد .

نایب رئیس - آقای معین الرعايا توضیحی دارید بدهید .

معین الرعايا - از اظهارات آقای مخبر معلوم شد که بنده در خصوص آذربایجان پیشنهادی کرده ام و حال اینست که بنده در خصوص آذربایجان هیچ عرض نکردم و بنده میخواستم بهر چه در خصوص آذربایجان مخالفت بکنم فقط امیدوارم تا دوره آتی احصائیه صحیحی از اهالی آذربایجان بدست بیاید و از روی عده صحیح بحق خودشان برسند فقط چنانچه دیدید بنام اعتبار مجلس نخواستم که مذاکره کنم و چنانچه نمایندگان آذربایجان بخواهند حق دارند مذاکره بکنند پیشنهاد بنده فقط در خصوص عراق بود که عراق معنون شده است پیشنهاد کردم که آنجا اضافه شود نه با آذربایجان

هشترودی - يك چیزی آقای مخبر فرمودند بنده آن را خیلی تصدیق میکنم فرمودند که بنای کمیسیون بر این بود که از ۱۲۰ نفر بالا نرود و بجهت این هیچ حرف زده نشود حالا بنده در خصوص آذربایجان عرض نمیکند در کلیات عرض میکنم بفرمایید خودشان بعد از آنکه ۱۳۶ نفر شده به آن نظری که ما داشتیم ۱۶ نفر بالا رفته است معلوم است که این البته يك نظر است صحیحی شده است بجهت اینکه اگر ناصحیح بود نه کمیسیون قبول میکردند مجلس چون بنده می بینم که حقاً و انصافاً در کمیسیون هم از

روی يك دلایل صحیح پذیرفته میشود نه از روی کلمه بنده خود هم از اعضای کمیسیون هستم خیلی ذقت میکنند آنچه بنظرشان از روی حق و حقیقت نه از روی خودرانی و هم چنین در مجلس هم معینطور است نظر بنده نفوس نداشتند بنده نیکیویم فلانجا زیاد است و باید کم بشود فلانجا کم است زیاد بشود همه آقایان همی دانند که بنده در این خصوص اگر حرف زده باشم يك فقره بود آن هم راجع بگیلان آن هم بینی و بین الله چون آمده که برای آنجا معین شده بود کم میدانستم حرف زدم حالا نسبت با آذربایجان چون شور موافق گذشته و حالا شور کلی است مجبور هستم که حرف بزنم یعنی بعد از آنکه تصدیق کمیسیون و مجلس شانزده نفر علاوه شده دیگر این نمیگذارد یعنی وجدان و دیانت بنده نگذارد بنده آن واقعات را که پیش خودم است اظهار نکند و ناچارم آن اطلاعات خودم را عرض کنم و معلوم است که مجلس را نمیتوان مجبور کنم و زور هم ندارم که مجلس را منقلب کنم و هیچ حرفی ندارم منتهی بقول آقای معین الرعايا بعد از اینست که این از مجلس گذشت شاید امر انتخابات تا دوسه ماه طول نکشد و در اینصورت هم شاید عده نفوس آذربایجان را احصاء بکنند و معین شود عده آنجا تا سه روی شود هر که الی آخر مختصر اینست که جمله از اینجا بعد از آنکه اینمندان از و کلا بان نظریکه کمیسیون هشت بیالارفت آنوقت بنده کلبه نمایندگان ایران را کم میدانم و میگویم کلبه این عده نماینده برای ایران کم است باینجهت عرض میکنم یکی از نقاط ایران برتر است که سه نفر معین شده است برای برتر و لواحق برتر بنده می گویم که خیلی کم است و چون عده نفوس در کار نبود وقتیکه آن قانون نوشته میشد و نظر نمایندگان دولت هم در این بود و نظر کمیسیون و مجلس هم در این بود که نمایندگان زود انتخاب شوند و زود بیایند و مجلس زود افتتاح شود و بنده هم تصدیق میکنم اما بعد از آنکه این طریق تا آخر این قانون برداشته شد و این نقشه بکلی بهم خورد آنوقت بنده میگویم که نمایندگان ایران کم است بجهت اینکه نفوس ایران زیاد است یعنی در صورتی که هر صد هزار نفر حق يك نماینده داده شود بنده یقیناً وجداً میدانم که کم است یعنی بنده عده نفوس ایران را از صد و سی و شش صد هزار نفر بیشتر میدانم حالا بنده در عددش نظر ندارم و شاید در عددش اشتباهی بگویم باینجهت از عددش صرف نظر نظر میکنم حالا مثل مزینم بنقائیکه کم داده شده است یکی تبریز است که ۹ نفر داده شده است و خیلی کم است و از قضایای اتفاقیه چون از نمایندگان آذربایجان بنده تنها در کمیسیون بودم دیگر قرینه شاری را صحیح ندانستم و محالات شماری بنا گذاشتم حالا تبریز را که نوشته اند و آن محالانی که اطرائش نوشته اند همه مردم میدانند که اینها محالات است و دارای چهار صد یا پانصد قریه است مثلا الان بر آغوش دو سه مجال دیگر قصبات و قریه ها را بشمار نیاورده ام بخلاف بعضی جاهامثلاً شیراز را که می بینم اندازه قریه شماری کرده است

که عدد آنرا نمیتوانستم ضبط کنم و در آذربایجان من دیگر قریه شماری نکردم و الا بعضی از قصبات است که واقفاناً بنجهت شهر است آنها را هم نوشتم مثل سردرود و باسج که محمد خان آنجا نوشته است و غیره که نفوس زیاد دارد تا برسد به شترود که اینها قصبات بزرگی هستند و چون جنب شهر واقع شده اند اعتنائی بآنها نشده یکی هم ماکو و خوی است که خیلی کم است علی الخصوص که اساس را هم ملحق کرده اند که انصاف نیست که يك نماینده بآنها داده شود و یکی هم اردبیل و مشکین خلخال است و اطراف آنها از قبیل نمین و غیره که آنها را هم یکی کرده اند بآنها هم يك نماینده داده شده خیلی کم است بنده پیشنهادی کرده ام و بهر یکی یکی علاوه در ضمن شور کلیات و از مجلس رای میخواهم حالا یا رد میکنند یا قبول خودشان میدانند .

حاج شیخ اسدالله - آنچه مذاکره شد در باب عده نفوس ولایات و ایالات اینها تماماً تعیین است و بطور تحقیق عده نفوس مملکت هنوز معلوم نیست بنده شخصاً مقید بکثرت نمایندگان ندارم و عقیده ام اینست که باید از صدو بیست نفر علاوه نشود ولی بعد از آنکه کمیسیون نظریات خودش را کرد و احصاءات مجلس شورای ملی چنین معلوم شد که عده نمایندگان بعضی ولایات و ایالات دیگر سنجیده شود نماینده بآنها کم داده شده است از این جهت يك نفر بشیراز و يك نفر بکرمان و چند نفر بظهران افزوده بنده عقیده ام اینست که این اضافه که داده شده است بولایات و ایالات نه از این نقطه نظر است که با آذربایجان کم داده شده حالا باید زیاد شود یا بولایات دیگر افزوده شود اگر هر آینه میدانستیم که ۱۹ نفر یا بیست و يك نفر با نماینده مثل متنوعه و ایلات که از برای آذربایجان معین شده است نسبت با آذربایجان کم است لابد مخبر هم نظریات کمیسیون را بمجلس شورای ملی میآورد و مجلس هم تصویب میکرد که بنجنفر یا يك نفر هر قدر کم بنظرش میآید اضافه شود اما در خصوص يك نفری که اضافه بفراس داده شده است به نظری که بفراس نظر بکنیم می بینم فراس دوازده نفر نسبت بخودش و آذربایجان که بیست و يك نفر با داده شده نسبت بخودش باز با آذربایجان زیاد داده شده و بفراس زیاد داده نشده که اینجا اظهار می شود چون بفراس اضافه داده شده و سایر نقاط هم که اظهار میشود اضافه داده شده پس باید با آذربایجان هم اضافه شود اینطور نیست بجهت اینکه نسبت فراس را که می بینم با آذربایجان می بینم از جهت وسعت خاکش از جهت اهمیتش از هر جهت فراس ۱۳ نفر و آذربایجان ۲۰ نفر باز میبینم که بفراس کم داده شده و همچنین آذربایجان را که بکرمان و بلوچستان بستیم که باو هفت نفر داده شده باز می بینم که بکرمان داده شده است حالا از اینجا صرف نظر میکنم بولایات مثل مزینم مثلا اصفهان را می بینم که بنجنفر بآنجا داده شده است که وقتیکه جمعیت اصفهان و متعلقانش را بستیم می بینم که اصفهان کم داده شده است مثلا میزان مالیات اصفهان را بستیم میزان مالیات آذربایجان مالیات نقدی اصفهان چهار صد هزار تومان است مالیات نقدی

آذربایجان هشتصد هزار تومان است از اینرو باید آذربایجان را مقابل اصفهان تصور کرد بجهت اینکه میزان مالیات هم يك تقریبی است و يك میزانی است از برای بدست آوردن جمعیت از این جهت که تصور میکنم میبینم که باصفهان باز نسبت به آذربایجان کم داده شده است پس باین نظریاتیکه عرض کردم هنوز سایر ولایات و ایالات کم داده شد است و اگر بخواهیم عده نمایندگان آذربایجان را از آنچه که باو داده شده است زیاد بکنیم مجبوریم که عده نمایندگان سایر ولایات را هم اضافه بر آن چیزیکه بآنها داده شده است بنمائیم و بنده اساساً نظرم باینست که زیاده بر این داخل این مذاکرات نشویم که نمایندگان را بیش از این زیاد بکنیم حالا اگر چه تعدیل واقعی نیست بفراس و اصفهان نسبت با آذربایجان که بستیم کم داده شده است و همچنین بخراسان لکن يك تعدیل تقریبی شده است و هیچ نباید زیاد بر این و کبیل بهیچ معنی داد .

نایب رئیس - گمان میکنم مذاکرات کافیست و لازم است قسمت دوم از ماده ۵ نظامنامه داخلی برای تذکر خاطر آقایان خوانده شود حالا بخوانند توجه بفرمائید (بجارت ذیل خوانده شد)

در شور ثانوی در خصوص هر يك از مواد و اصلاحات راجع بر آن گرفته میشود بعد از این ترتیبات يك رأی قطعی در کلیه لایحه داده میشود ولی قبل از دادن این رأی در يك از نمایندگان حق دارد ملاحظاتیکه در رد یا قبول لایحه دارد اظهار نماید

نایب رئیس - حالا اگر بخواهیم داخل مذاکره جزئیات این بشویم نمیشود در کلیات این لایحه اگر هر يك از آقایان ملاحظه دارند میتوانند بفرمایند آقای محمد هاشم میرزا فرمایشی دارید بفرمائید .

محمد هاشم میرزا - اول خوبست تکلیف بنده را معین بکنند که کلیات این لایحه چه چیز است آنوقت عرایض خودم را بکنم .

نایب رئیس - کلیات این قانون معلوم است مذاکره در انتخابات جمعی وفردی و امتثال آنست .

حاج شیخعلی - این ماده که در نظامنامه خوانده شد راجع بشور کلی يك لایحه قانونیست لکن این يك ماده از يك قانونی محسوب می شود شور کلی وقتی میشود که بخواهیم در کلیات مجموع قانون انتخابات مذاکره بکنیم .

محمد هاشم میرزا - اگر این اظهار آقای خراسانی قبول شد دیگر بنده عرضی ندارم .

آقای میرزا احمد - معنی از کلیات این نیست که يك چیز خارج از مواد گفته شود کلي هر چیزی راجع باجراء و مواد است و وقتی که کسی میخواهد کلبه مخالفت بکند فرضاً با يك قانونی آنوقت دو ماده سه ماده از او را بشمارد و میگویند ترتیب صحیح نشده است از این ماده کلی را رد میکند البته مذاکره در کلیات مذاکره در جزئیات و معادلات و یکی از جزئیات این قانون آذربایجان و عراق است و همچنین قم و کاشان و غیره .

نایب رئیس - معصوم از خواندن آن ماده نظامنامه این بود که دو فقره پیشنهاد شده بود و موقمش نبود چون راجع بجزئیات بود حالا اگر فرمایشی در کلیات دارند در موقمی که بکلیه قانون

رای گرفته میشود خواهند فرمود حالا ماده دوم از قانون انتخابات که راجع بکلی این حوزه بندی است خوانده میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) ماده ۲ - تقسیم نمایندگان ملت نسبت بجمعیت تخمینی ولایات از قرار شرح جدولی است که باخر این قانون منظم شده است .

بجهت - بنده هیچ داخل حوزه بندیها نمی شوم فقط در همین ماده دوم عرض میکنم که اینده که اینجا مین شده است از روی هر نقطه نظر و ملاحظه که بوده است باید اینجا قید شود اگر رعایت هر صد هزار نفر یک نفر بوده است باید اینجا قید شود اگر رعایت محل بوده است باید قید شود هر ملاحظه که بوده است باید قید شود اولاً - دلخواه که میشود و بیش هیچ عاقلی پذیرفته نخواهد بود یک تقسیمی که میشود لابد یک نظری داشته است یا رعایت عدله را کرده است یا نکرده است اگر رعایت عدله را کرده است همانطوری که در شور دوم در هر صد هزار نفر یک نفر مذاکره شد اینجا هم قید بکنند که این تقسیمی که شده است بنسبیت تعداد نفوس هر صد هزار نفر یک نفر بوده است و اگر آن نظر در بین نبوده است باید آن عبارتی که و آن نظری که در نظامنامه بوده است که (ارعایت اهمیت محل) آن عبارت اینجا قید شود و اگر مطلقاً و اگر داریم و بچه چو قید نکنیم که این تقسیمی که شده است از روی چه میزان و چه نقطه نظر بوده است بکلی این تقسیم لغو میشود .

ذکاء الملک - اینجا در آن ماده نوشته شده است که نسبت بجمعیت اما اینکه میفرمایند بناید نوشته شود نسبت بجمعیت و رعایت اهمیت محل این را بنده لازم نمیدانم بجهت اینکه در این حوزه بندی رعایت اهمیت محل نشبه است مگر در طهران که یک فدری ملاحظه اهمیت محل شده است بنده عقیده ام اینست که این عبارت اضافه شود از برای یک جمعیت تخمینی و معلوم است که ما نظرم آن در این حوزه بندی یک جمعیت تخمینی است بجهت اینکه ما میزانی نداشتیم از برای نظرسنجی .

محمد هاشم میرزا - چون بطوری که آقای مخبر فرمودند عدله نفوس ثابت نشده بوده یعنی معلوم نبود و احصائیه صحیحی از ولایات در دست نبود باینجهت هر دو ملاحظه شده است هم آن یکدرجه رعایت جمعیت تخمینی ولایات و ایالات نشده هم رعایت اهمیت محل در اینصورت بعقیده بنده باید هر دو مسئله قید شود .

حاج سید ابراهیم - بنده یک عبارتی را پیشنهاد کرده بودم که از قرار تعیین عدله نفوس ولایات بپرسد هزار نفر یک نفر میباشد شرح جدولی که به آخرین قانون منظم است داده شد و این قید یک فایده دارد و آن اینست که اگر یک جایی صد هزار نفر نفوس داشته باشد و به آن حق یک نفر نماینده داده نشده باشد یعنی از قلم افتاده باشد یا بواسطه نداشتن احصائیه نداشتن داده ایم موافق این ترتیب می تواند تقاضای حق خودش را بکنند **نایب رئیس** - عجلاناً چون موقع تنفس است یک ربع تنفس داده میشود (مجدداً پس از یک

ربع جلسه بر است آقای میرزا مرتضی قلی خان تشکیل شد) **نایب رئیس** - ماده دوم مجدداً خوانده می شود و رای می گیریم (مجدداً ماده دوم قرائت شد)

نایب رئیس - دیگر در این ماده مذاکره نمیشود و رای میگیریم آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده اول خوانده می شود (بمبارت ذیل قرائت شد) ماده اول - عدله نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در مملکت ایران ۱۳۶ نفر است

آقا شیخ محمد خیابانی - بنده در این ماده مخالف هستم و بعضی عرایض دارم . **نایب رئیس** - بفرمائید

آقا شیخ محمد خیابانی - گویا اکثر آقایان شناخته اند بنده را که هر چه بنده حرف می زنم محض وجدان و متابعت اصناف و رعایت حقوق ملت حرف میزنم و در این موقع این مخالفتی که میکنم نظرم باین نیست بلکه اظهارات مخالف آمیز بنده مؤثر بشود و مجلس بخلاف این رای که داده رای بنده فقط مخالفت بنده برای اینست که چون بنده وکیل هستم از طرف یک ملت هوشیار به طوریکه بنده خجالت دارم از اینکه نماینده یک چنان مردمان هوشیاری هستم و بایستی بنده برای خود از آن ها انتخاب بکنم باری من فردا میروم آذربایجان و این مذاکرات مجلس را میدانم هو بهو آن ها میخوانند و در این مشغولیتی که دارند هیچ یک از روز نامه ها میدانم ناخوانده نمی ماند و بنده میدانم بعد از آنکه از اینجا برگشتم به آذربایجان در آن جامجلس خواهند کرد و اربنده در اینخصوص سؤالات خواهند کرد بنده باید برای آن ها جواب حاضر کنم و نمیتوانم در این مواردی که این جا گذشته است و میگردد ساکت بمانم به بنده خواهند گفت این رای که در مجلس داده شده است که عدله نمایندگان یکصد و سی و شش نفر باشد چطور شد که این رای داده شد در صورتیکه روزی که برای آذربایجان ۱۹ نفر معین میشد گفته میشد که عدله نمایندگان صد و سیست نفر است و تجاوز نخواهد کرد گرچه ترتیب مذاکرات این چند روزه مجلس در این خصوص طوری بوده است که هر کس هم که غایب باشد و آن مذاکرات را به بیند مطلب را می فهمد آن روزیکه برای آذربایجان نوزده نفر معین میشد دیدید که ما مخالفتی نکردیم و منم حرف نزدیم و اگر اظهار مخالفتی میشد در جواب گفته میشد که نوزده نفر با آذربایجان داده نمیشود ۲۲ نفر داده می شود و یک نفر برای شاهسون ها و یک نفر برای ملت مسیحی و یک نفر برای کلدانها اگر چه عقیده بنده این بود که ۳ نفر از برای ملت ارمنه و یک نفر هم معین میکنم اضافه شود اگر هم قبول نکرده بودند فردا در محاکمه آذربایجان خواهم گفت که من پیشنهاد کردم و قبول نشد این است جهت مخالفت بنده .

معزز الملک - اگر چه جای شک وشبهه نیست که حیثیات اول مجلس بالنسبه به حیثیات اواخر مجلس تغییر کرده است و میتوان گفت کم دادن

وکیل به آن شخصی که در جلسات اول بود حالا نیست و آن نظریکه در خصوص کم دادن وکیل بود منحل شد و از نظر منو شد اگر چه در خصوص نمایندگان آذربایجان و نمایندگان خراسان خیلی گفتگو شد در مجلس بالاخره باین ترتیب رای داده شد حالا اگر خواسته باشیم از روی حساب حالیه مجلس رفتار کنیم باید گفت که برای آذربایجان ۲۵ نفر و از برای خراسان بیست نفر وکیل تعیین کنیم آنوقت تازه مطابق میشد با عدله نمایندگان که اخیراً بسیار نقاط داده شده ولی یک چیزی که حالا بنده را مجبور میکند موقتیت این عدله که در مجلس شورای ملی رای داده شده است اینست که بنده میدانم تمام نمایندگان که اینجا میآیند تمام نمایندگان ملت ایران خواهند بود و همان طوری که نمایندگان آذربایجان حفظ حقوق آذربایجان را میکنند همان طور حفظ حقوق اهالی خراسان را میکنند و همانطور نمایندگان که از خراسان انتخاب میشوند حفظ حقوق آذربایجانی را خواهند کرد و همین طور سایر نقاط دیگر از ایالات و ولایات پس این هیچ مانع نخواهد بود و علی الخصوص در این موقع اگر رای داده شود و همینطور که عجلاناً نظریات دولت و نظریات کمیسیون است بگذرد هیچ سدی و هیچ جلویی از حقوق اهالی یک مملکتی نخواهد شد و البته وکلای آذربایجان که در دوره آتیه انتخاب میشوند و اینجا میآیند بعد دو باره تجدید نظری اگر خواهند و البته وکلای آذربایجان بکنند خواهند کرد و اگر چنانچه یک عدد زیادی صلاح ببینند و مقتضی هم باشد با آذربایجان خواهند داد از یک نظر دیگر وقتیکه نگاه میکنیم میبینیم که این عدله که عجلاناً برای مملکت ایران معین شده است که آن ۱۳۶ نفر است تقریباً برای ۲۷ کرور تعیین شده است اگر درست بدقت ملاحظه سایر نمایندگان بکنیم تقریباً بلکه حقیقتاً میتوان گفت زیاد داده شده است اگر چه آنچه راجع بجمعیت ایران بگوئیم فقط از روی عقیده شخصی است و از روی تخمین است چون از روی یک احصائیه صحیحی نیست که محققاً بدانیم که این عدله که میزان گرفته شده است بطور حتم صحیح است یا نه چون از روی یک ترتیب صحیحی نیست بعضی ها میگویند سی کرور بعضی ها ممکن است بگویند ۲۰ کرور ۲۵ کرور ۳۵ کرور علی ای حال این عدله نماینده که معین شده است بر حسب همان تخمینی است که یقین شده است اگر زیاد نباشد برای مجموع افراد ایرانی علی ای حال کم نیست باین عدله ۱۳۴ نفر و اگر بگوئیم که مخبر در خصوص ملل متنوعه گفته سه نفر هم از بابت ملل متنوعه و نماینده شاهسون با آذربایجان اضافه میشود و حالا چون از ملل متنوعه یک نفر کم شده ممکن است افزوده شود پس حالا میفرمایم این بعقیده بنده یک دلیل فرض نمیتواند بشود هر یک چیزی که رای داده ایم حالا بنیاییم یک نفری یا دو نفری بر عدله وکلای آذربایجان بفرمائیم بنده هم تصویب کنم بعد بگوئیم که در باب خراسانهم ظلم شده است برهنه آنهم باید بفرمائیم همینطور هر از و کلا در باب یکلای و شهری پیشنهادی دارد پس حالا تکلیف چیست چه باید بکنیم چاره نداریم

غیر از اینکه این ۱۳۶ نفری که تعیین شده است قبول کنیم والا اگر بخواهیم رد کنیم باید دوباره یک حوزه بندی دیگری ترتیب بدیم بنده از تمام نمایندگان محترم میخواهم به پرسیم که آیا ما وقت داریم که یک قانون انتخابات جدیدی بنویسیم یا خیر و کدام یک از اینها باید بشود یا اینکه فرصت آنرا داریم بنده عرض میکنم که خیر نداریم پس غیر از اینکه حالا باید صرف نظر کنیم چاره نداریم اگر چه بعضی حالا هم شاید بگویند تعدی شده باشد و حقوقشان تضییع شده باشد بنده عرض میکنم که ما کلیتاً فقط باین نظرمان برودیم بنده خصوصاً و بیکندری هم منافع عمومی را در نظر بگیریم پس هر چه بتوانیم باید سعی بکنیم که قانون انتخابات زودتر بگذرد از مجلس زودتر اعلان انتخابات داده شود بجهت اینکه بر هیچکس پوشیده نیست که تا حال حالیه مملکت اگر یک ساعت بدون مجلس باشد و هر دقیقه که بگذرد اقتتاج مجلس تاخیر شود برای این مملکت سم است (گفتند صحیح است) **نایب رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد رای میگیریم در ماده اول بطوریکه کمیسیون راپورت داده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) **نایب رئیس** - با اکثریت تصویب شد راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع بجزیره هرمز راپورت را آقایان ملاحظه فرموده اید دیگر محتاج بقرائت نیست . شور در کلیات است آقای منتصر السلطان مخالفید بفرمائید . **منتصر السلطان** - بنده مقصودم مخالفت نیست خواستم عرض کنم چون این جزیره هرمز یکی از ممالک دوتانی است و حالا که ما می خواهیم واگذار بکنیم یک کسی بموجب آنواد قانونی که در ۲۳ جوزا از مجلس گذشته است راجع باختیارات خزانه دار کمال باید نظریات خزانه دار کل در این قیبل لوائح شده باشد آبا حضرت وزیر مالیه نظریات خزانه دار کل را هم جلب فرموده اند و بکمیسیون اطلاع داده اند یا خیر ؟ **وزیر مالیه** - ملتفت نشدم . **نایب رئیس** - مکرر کنید (مجدداً آقای منتصر السلطان تکرار کردند) **وزیر مالیه** - در هیئت وزراء در این خصوص نظریات خود را کرده اند وقت شده است و گذشته است و بکنه تبه هم با خزانه دار کل مذاکره کرده ایم و ایشان چیزی نگفته اند غیر از اینکه باید از مجلس بگذرد . **انتخاب الواعظین** - بنده در باب واگذاری جزیره هرمز بجای معین التجار بوشهری هیچ اطلاعی ندارم که با خزانه دار کل مذاکره شده است یا خیر این را وزیر مالیه بهتر اطلاع دارند ولی در باب خاکی که حاج معین التجار از دولت مطالبه میکنند و باید وجه آن را بایشان بپردازند نظر خزانه دار کل اینست که به هیئت وزراء نوشته اند که این حواله که داده شده است من منتظرم که عقاید مجلس شورای ملی را ببینم اگر تصویب کردند من هم امضاء خواهم کرد و بسوق خودم میرودم . **میرزا داود خان** - بنده شدیدی ندارم

علی المعجاله و داخل مواد این راپورتیکه از کمیسیون فوائد آمده است نمیشود فقط در کلیاتش داخل مذاکره میشوم بتاريخ ۱۵ جمادی الثانی ۱۳۲۹ یک لایحه قانونی از طرف هیئت وزراء بمجلس آمد و از مجلس گذشت که آن قانون مشتمل بر ۱۲ ماده بوده معلوم است این مثل معروف است که احترام امامزاده را باید متولیش نگاه بدارد امضاء کمیسیون فوائد عامه و نمایندگان محترم از اشخاصی بودند که آن قانون را رای دادند ماده اول آن قانون مینویسد که خزانه دار کل مسائل محروسه ایران مأمور نظارت مستقیم و واقعی تمام ماملات مالیاتی و پولی دولت ایران است و این ماملات شامل اخذ تمام عایدات از هر قبیل و تقلیل و معاسبات تمام مخارج دولتی میباشد و در این ماده اول تقریباً (۶۰) رای داده شده است و در ماده ۹ نوشته شده است که خزانه دار کمال مکلف است هر نوع صرفه جوئی که مقتضی باشد در مصارف و معاملات دوتانی بعمل آورد و این یکی از تکالیف حتمیه است . در این ماده ۹ هم (۱۳) رای داده شده است بنده با اصل این لایحه ضدیت ندارم لکن در این ماده ۹ که نوشته شده است خزانه دار کل مکلف است و از وظائف حتمیه او است در این لایحه پیشنهادی وزیر مخالفت ندارم ولی چیزیکه در نظر دارم اینست که این لایحه ۱۵ یا ۲۵ صدها که نوشته شده است بنظر خزانه دار کمال کمال برسد بهتر است شاید این ترتیب را طور دیگر قرار بدهد و تحویل صدی ۱۵ را صدی ۲۵ و صدی ۲۵ را صدی پنجاه تصویب کند این موادی که مجلس تصویب کرده است آیا تکلیف او چیست و من هیچ نمیدانم که بدون اطلاع خزانه دار کل چه صورت دارد و مطابق موادی که در ۱۵ جمادی الثانی گذشته است باید این لایحه با نظریات خزانه دار کل بمجلس فرستاده شود بنده سئوال میکنم از امضاء کمیسیون محترم که نباید مالیات مملکت ما یک مرکز پستی پیدا کند یک ترتیب اداره پیدا کند بیهی است که باید ترتیب اداره پیدا کند گویا در این هیچ کس مخالفت نکنند آن لایحه را هیئت وزراء خودشان آوردند بمجلس و بقررت خواستند که از مجلس بگذرد مجلس هم موافقت کرد و بقررت تصویب کرد و گذشت پس باین جهت بنده عرض میکنم که باید ما نظریات خزانه دار کل را کمالاً در این لایحه بدانیم اینکه وزیر مالیه فرمودند خزانه دار کل بنظر مجلس گذارده اند بنده گمان میکنم که بنظر خزانه دار کل رسیده است در اینصورت بنظر بنده این مسئله خیلی مهم است اینست که بنده تقاضائی کرده ام و تقدیم هیئت رئیسه میکنم و تقاضا میکنم که در آن رای بگیرند که این لایحه برگردد بوزارت مالیه و نظریات خزانه دار کل ضمیمه این شود شاید آنوقت اضافه از صدی ۲۵ بشود و با آقای حاج معین بدینده و همان عبارتی که عرض کردم احترام امام زاده را متولی باید نگاه بدارد . **دکتر علیخان** - تکلیف یک نماینده اینست که هیچ نظری نداشته باشد غیر از نظر وجدان و انصاف و بیچوقت نظریات اشخاص و مذاکراتی که ممکن است بشوند نداشته باشد بنده عرض میکنم که اساس مشروطیت بر این است که طرف دار عدل و انصاف باشند و

هیچوقت نظر نداشته باشند که طرف چه نوع آدمی است باید ملاحظه کرد که آیا لایحه که از طرف وزارت آمده است صحیح است یا صحیح نیست و هیچوقت شخصیکه طرف است در نظر نداشته باشیم عرض میکنم این موادی که میفرمایند در تاریخ فلان گذشت و راجع با اختیارات خزانه دار کل بوده است و از تکالیف حتمیه او است که باید همه امور صرفه جویی در عایدات در معاملات دولت بکنند صحیح است البته باید بنظر خزانه دار کل برسد ولی ما نباید تفحص بکنیم و داخل بشویم در هر گونه مطالبی که از طرف وزارت پیشنهاد میشود که آیا خزانه دار کل نظر کرده است در آن لایحه یا خیر ابتدا مربوط نیست در این مسئله ما یک رأی داده ایم که خزانه دار کل باید نظریات در امور مالیه مملکت داشته باشد ولی مسئول مجلس ابتدا خزانه دار کل نیست مسئول وزیر مالیه است ما باید ببینیم که چیزی که پیشنهاد میشود به مجلس از طرف وزارت مطابق عدل و انصاف است یا خیر و باید ما از روی انصاف رأی بدهیم یازد بکنیم آن پیشنهاد را یا قبول بکنیم بعد (اگر دیدید) بدون تفتیش و بدون اطلاع خزانه دار کل لایحه را پیشنهاد مجلس کرده اند از او استوار و استیضاح بشود دیگر وظیفه ما نیست که بپرسیم نظریات خزانه دار کل در او شده است یا نه است چون مسئول اینکارها وزیر مالیه است بنابراین آنکه در خصوص این مسئله که میفرمایند و مکرراً اظهار شده و این مسئله دارای دو مضایب است یکی مسئله بدهی دولت است که دولت باین شخص دارد برای چیزی که از او خریده است یک خاکبازی است که از او خریده است و باین پول او را رد بکند در این باب حواله داده اند و هیئت دولت او را امضاء کرده اند که باید داده شود فقط چیزی که هست خزانه دار کل منتظر نظر مجلس است و پس فقط چیزی که باقی میماند آن مسئله اجاره است که برای خود معین است و آن را هم طوری که عرض کرده نظر بانصاف خودتان باید ببینیم که این معادنی که این شخص سالهاست زحمت کشیده است و در دست او بوده است و زحمت کشیده است مطابق عدل و انصاف حق اولیت دارد و حق تقدم دارد از دیگران رأی بدهیم و کاری نداشته باشیم که نظر خزانه دار کل در این شده است یا نشده است بعد اگر معلوم شد که نظر خزانه دار کل نشده است استیضاح بخواهیم که چرا نشده است ولی از پیش نباید یک لایحه که از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شده است بپرسیم که در او نظریات خزانه دار کل شده است یا نشده است آن وقت رأی بدهیم .

میرزا داود خان

آقای دکتر علیخان که این فرمایش را میفرمایند کسی اسم بردم و کسی داخل شخصیات شدم و کسی این لایحه را رد کرده هیچ پسندیده نبود این فرمایش بنده عرض کردم بلکه خزانه دار کل تصویب نمایم صدی ۱۰ را صدی ۲۰ یا صدی ۵۰ ابتدا صحبت شخص نشد فقط ملاحظه بنده در نظر خزانه دار کل بوده است در این خصوص و نظر به شخص نبوده است .

وزیر امور خارجه

چون این لایحه از طرف هیئت وزراء تقدیم شده است مجبورم دفاع کنم

اولا نظر وزراء کلبه موافق فرمایشاتی است که آقای دکتر علیخان فرمودند و شرح دادند و دیگر چون زائد است بنده شرح نمیدهم اینکه میکویند ملاحظاتی و نظریات خزانه دار کل لازم است بنده عرض میکنم این لایحه هیچ مخالفتی با قانونیکه در ۲۳ جوزا تصویب شد ندارد بجهت اینکه قانون ۲۳ جوزا را بعد از اینکه تفسیر نمائید البته مقصود این خواهد بود که امتیازاتی که دولت میدهد ام از اینکته عایدی داشته باشد یا تحصیل خرجی بر او بشود آن عایدات باید بنظر مفتش و خزانه دار کل برسد و همچنین مخارجی که میشود آنهم بنظارت خزانه دار کل باید برسد و از تکالیف حتمیه خزانه دار کل است نه اینکه هر وقت هیئت وزراء یاد دولت میخواهند یک کاری بکنند و امتیازی بکسی بدهند باید اول بنظریات خزانه دار کل برسانند شاید یک وقتی هیئت دولت بخواهد یک امتیازی بدهد و مصلحت نباشد با هیچکس مشورت نماید .

دکتر علیخان - اینجا بنده عرضی که کرده مقصودم این بود که آقای میرزا داود خان داخل در شخصیات شده اند مقصودم این بود که خودمان داخل در شخصیات نباید بشویم هیچ مقصودم بایشان نبود خواستم رفع این شبهه را بکنم .

افتخار الواعظین - اینجا تاریخ این قضیه را بنده باید بطور کلی عرض نمایم که بکفداری خاطر آقایان مسبق شود که چیست حاج معین التجار بوشهری بر حسب یک فرمان خاک معین جزیره هرمز را اجازه کرده بودند از دولت بحال اجازه معینی و در آن فرمان وزرای سابق ابدیت اجازه را قید کرده بودند و آن فرمان مفاد و مضمونش این بود که خاک جزیره هرمز را دولت ابتدا بحاجی معین -

التجار میدهد مجلس شورای ملی ابدیت فرمان را رد کرد و گفت من هیچ فرمانی را ابدی نمیشناسم و غلط است ولی تا وقتی که حاج معین مال اجازه بدولت داده است بدهی و واضح است که محصول آنجا متعلق بحاجی معین است اگر بنده یک جانی را از دولت اجازه یا امتیاز گرفته ام مادامی که در اجازه بنده است آن محصولی که از آنجا عاید میشود متعلق به بنده است در اول حمل ۱۳۲۸ دولت وقتی که ابدیت فرمان حاجی معین را شناخت خودش متصرف شد آنوقت حاجی معین آنجا یک خاکبازی را که مال خود او بود داشته است و آن خاک متعلق بحاجی معین التجار بود آنجا رادولت باینکفر دیگر کثرتانی بسته که سالی فلان مقدار خاک بآن شخص بدهد در آن خاکبازی که باید تحویل بدهد بآن شخص یک مقداری هم از خاک حاجی معین و مغرور شده بود و بآن شخص داده شده بود در وقتی که استخراج میکردند ایشرا هم عرض میکنم که خاطر مبارک آقایان مسبق باشد که وقتی هیئت دولت آنجا را متصرف شده است بامورین گمرک مأموریت داده بود که خاک را از جزیره خارج کنند و بفروشد و موافق صورتی که از گمرک خواسته ایم مطابق آن صورت در مقابل خاکبازی که داده اند بآن شخص و مخارجی که گمرک ببهای دولت حساب کرده است موافق آن صورت صدی ۲۴ مخارج برای دولت برداشته است اما در باب وجه هیچ يك از آقایان

نفرمودند و البته نظرشان باین بوده است که نفرموده اند زیرا در آن وجهی که در مقابل خاک معین التجار بوده است بهیچوجه نظر خزانه دار کل شرط نیست بجهت اینکه در وقتی که آنجا رادولت خریده است در وقتی بوده است که مستر شوستر در امریکا بوده است و هنوز این قانون ۲۳ جوزا از مجلس نگذشته بود البته متوجه خواهند بود که قانون بمقابل خودش اثر نخواهد کرد اما در باب واگذار کردن خاک معین بحاجی معین التجار اینجا دولت خودش قریب دو سال خاک را ضبط نموده است وقتی که در اینجا نگاه میکنیم باین لایحه پیشنهادی وزراء میبینیم که منافعش از برای دولت بیشتر است بجهت اینکه در اینجا دولت این معین را ده ساله واگذار میکند بحاج معین التجار در پنج سال اول صدی ۱۰ حاج معین بر میدارد و صدی ۸۰ بدولت میدهد و در پنج سال آخر صدی ۲۰ بر میدارد و ۷۰ بدولت میدهد پس آنچه چیزی که حاج معین - التجار بر میدارد مقابل میشود با مخارجی که برای دولت داشته حالا از حقوق و گفتگوهای که حاجی معین در باب فرمان و سابق اعمال خودش داشت گذشته با آن اقداماتی که دولت در این بکمال و نیم کرده است برای دولت نفع دارد و ضرر ندارد بجهت اینکه وقتی که دولت این را تصرف کرده است صدی ۲۴ مخارج برداشته است و وقتی مقابل با آنها بکنیم پس این نفع دولت است نه ضرر دولت .

نایب رئیس - گویا مذاکرات کافی است .

میرزا احمد - نسبتی بمجلس داده شده است باید رد شود .

نایب رئیس - بنده هم ملتفت شدم این مسئله در مجلس رد شده و هنوز مطرح نشده .

میرزا احمد - اینکه آقای افتخار الواعظین میفرمایند که مجلس رد کرده است صحیح است اما نه از باب اینکه فرمان ابدیت داشته است بنده در آنزمان عضو کمیسیون فواید عامه بودم در آنجا یک جمعی تشکیل دادند از اعضاء کمیسیون و از خارج هم بودند منجمه آقای ونوق الدوله وزیر امور خارجه بعد از آنکه مراجعه کردند بدوسیه حکم کردند که این مال حاج معین نیست زیرا از سنه ۱۳۲۲ از ملکیت حاج معین خارج شده است و آن مدت قطع شده است نه برای اینکه آن فرمان ابدی بوده است از برای این بوده است که بلامدت بود نه ابدیت از برای این مدت نداشته است

نایب رئیس - اینکه گفته شد که مجلس رد کرده است بنده هم عرض میکنم که بهیچوجه مجلس رد نکرده است اگر این در کمیسیون مذاکره شده و در کمیسیون رد شده است ربطی بمجلس ندارد و مذاکره کمیسیون غیر از مجلس است

آقای مدرس - در اینگونه مطالب صحبت داشتن بنده مناسبی ندارد ولی در این خصوص دو کتاب آوردم متعلق باین لایحه و این دو تا کتاب را بنده دوسه شب مطالعه کردم لهذا لازم است سه مطلب را بنده عرض نمایم یکی اینکه مقتضای آنچه ظاهراً محقق است نزد تمام آقایان یک خاکبازی آن جا بوده است مال حاج معین التجار بمقتضای تمام قوانین آنجا ملک طلق او بوده است حالا برضایت

کاری کرده باشند خیلی منت گذارده اند و کاری کرده اند ابتدا هیچکس حق تصرف در يك متقال خاک او ندارد چه امتیازش قطع باشد یا منقطع نباشد این يك مطلب پس باید نحوی این ترتیبات را داد که مزاحم باین حق واقعی شرعی نباشد ولو اینکه تمام را واگذار کنند بملک یک مطلب دیگر در علفه جات است که ما استفاده نکردیم که علفه جانی بوده است و ابتدا تصرف در آن جایز نیست البته قوانین امتیاز بمقاسبیکه صلاح دبد دولت و ملت رفتار کنند اما يك چیزی را باید عرض کنم آن اینست که آیا و کلای ملت و هیئت دولت در مقام این هستند که این مملکت خراب ما رو به آبادی برود یا خیر و اگر کسی يك زحمتی کشید اتکال داشته باشد باین زحمتش تا کم کم مردم رغبت کنند و این خرابی را آباد کنند باید ما همیشه این ملاحظات را داشته باشیم اگر خیال ندارید که خیلی خوب است هر روز بیکه میآید همان روزها ملاحظه کنیم که امروزه چقدر در میآید برای دولت ملت امروز را بگیریم دیگر میخواهد خراب شود میخواهد آباد شود اما امیدواریم که تمام ملت دولت در خیال این باشند که مملکت ما رو به آبادی برود بلکه یکجا باید يك چیزی هم دستی بدهیم تا اینکه آباد بکنند گمان دارم که این کتاب هارا که من مطالعه کردم این است راست و دروغش را نمیدانم بمقتضای آنچه در آنها نوشته شده است و این زحمت سابقه و لاحقه که يك بخدوش را آقای افتخار الواعظین فرمودند در واقع فراین مواقع باید طوری رفتار نمایم که برضایت او رفتار شود و حق او هم داده شود که دیگران هم فرایتمقام برآیند که يك جائیکه خراب است آباد شود و مردم اتکال بکنند که اگر بیکی امتیاز دادیم و يك کردیم هم دادیم آباد بکنند خراب بکنند .

نایب رئیس - گویا مذاکرات کافی است .

پیشنهادی شده است قرائت می شود و رأی می گیریم .

مقین السلطنه - يك نسبتی هم بمجلس داده شده است اجازه بفرمایید عرض کنم .

نایب رئیس - در ضمن مذاکرات ممکن است بفرمائید .

(ببارت ذیل پیشنهاد مذکور قرائت شد) .
بنده تقاضا میکنم که راپورت کمیسیون فواید عامه در خصوص معین کل سرخ (اکسید دوفر) جزیره هرمز پیشنهاد مجلس شده است بهیئت وزراء عظام هودت داده شود که بانظریات خزانه دار کل که بموجب قانون مورخه (۱۰) جمادی الاخری از مجلس گذشته است نظریات خود را منقسم نموده بآن قسم که مقتضی و صلاح دارند پیشنهاد مجلس شورای ملی نماید .

نایب رئیس - توضیح دارید بفرمائید .

میرزا داودخان - بنده توضیح عرایضم را کرده ام فقط از وزراء عظام استعفا میکنم که بموجب آنوادگی که گذشته است ایشان این تقاضای بنده را قبول بفرمایند که اداره معادن مثل اداره گمرک یا نظریات خزانه دار کل باشد فقط نظر بنده باینست که عایدات و مالیات مملکت ما مثل عایدات گمرک اداره شود و مرکزیت پیدا بکنند و استعفا می کنم

که این لایحه را پس بگیرند و با خزانه دار کل به مجلس بفرستند .
وزیر امور خارجه - اینجا می گویند برای این که عایدات مرکزیت پیدا بکنند بنظر خزانه دار کل برسد بنده می بینم که این لایحه راجع بوزارت مالیه است هیچ نمی بینم که مرکزیت پیدا کردن عایدات راجع بامتیاز باشد و هیچ راجع نیست باینکه خزانه دار کل در اصل امتیاز يك حرفی بزنند بعد از آنکه حق مجلس است و از مجلس گذشت معلوم است که ضبط و ربط عایدات آنچه عایدی و مخارج مملکت است بنظریات خزانه دار کل خواهد رسید و مرکزیت در کمال خوبی بعمل خواهد آمد .

میرزا داود خان - اینکه آقای وزیر امور خارجه فرمودند صحیح است لکن اگر در این لایحه حق الزحمه که برای حاج معین التجار نوشته اند نوشته شده بود صحیح بود لکن چون این را نوشته اند صدی ۲۰ معین شده است خواستم این حق الزحمه بنظیر خزانه دار کل برسد و به صواب دید او بمجلس بیاید .

نایب رئیس - رأی میگیریم در این پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (عده قیام نمودند) .

نایب رئیس - تصویب نشد - رأی میگیریم که داخل در مواد شویم پنجتنفر تقاضای کتبی کرده اند که باور فرمایند گرفته شود چون حق دارند که تقاضا کنند با ورقه رأی گرفته میشود .

حاج ششعلی - وقتی که در يك لایحه مذاکره میشود باید درست در کلیات او مذاکره شود بنده متلا مواقفم آنوقت رأی علنی با او را هم باید گرفت باید دلیل اقامه کرد که نباید بنظر خزانه دار کل برسد در پیشنهاد بنده اجازه خواستم اجازه ندادید حالا هم اجازه میخواهم و در اینخصوص رأی میدهم و باید ثابت کنم که موافق قانون اساسی مربوط بخزانه دار کل نیست و باید در مجلس شورای ملی بگذرد .

حاج عز الممالک - تقاضا مال کیست ؟

نایب رئیس - اسامی را بخوانید (آقای میرزا ابراهیم خان اسامی تقاضا کنندگان را بتفصیل ذیل قرائت نمودند) میرزا داودخان - نیر السلطان آقا شیخ غلامحسین - آقا سید حسین اوردیسی .

نایب رئیس - آقایانیکه تصویب میکنند داخل در مواد شویم ورقه سفید خواهند داد در این موقع شروع باخذ اوراق گردید و حاج میرزا رضا خان بشماره ذیل احصاء نمودند ورقه سفید علامت قبول (۴۲) ورقه آبی علامت رد (۱۳) بلا اسم (۴)

نایب رئیس : با ۴۲ رأی از ۷۳ نمایندگان حاضر تصویب شد .
(ماده اول ببارت ذیل قرائت شد)
ماده اول - دولت معین (اکسید دوفر) جزیره هرمز را از ابتداء حمل او تیل ۱۳۲۸ تا مدت ده سال شمسی به آقای حاج معین التجار واگذار مینماید مشروط بر اینکه کلیه تعهداتی که مطابق يك قرار

داده بدهنده که در کابینه و زراسابق بتاریخ ۱۶ شهر ذی قعدة ۱۳۲۸ با ستر استر يك مقرر گردید تا انقضای مدت قرارداد که پنج سال شمسی است حاج معین التجار که لامرعی داشته و هر گاه بر خلاف فصول آن قرارداد رفتار میکند که موجب ضرر دولت باشد خسارات وارده بر دولت را از عهده برآید .

نایب رئیس - مخالفی هست .
آقا شیخ غلامحسین - در شور در بات بعضی از آقایان اظهار کردند که باید این لایحه بنظر خزانه داری کل برسد وزیر مالیه فرمودند که لازم نیست و وزیر امور خارجه فرمودند که آن قانونیکه گذشته است شامل این قرارداد نمیشود .

نایب رئیس - خواهش دارم که در این ماده مذاکره بفرمائید .

آقا شیخ غلامحسین - میگویم این ماده که شامیخواهد امتیاز ده ساله بدهد بیک شخص مخالف است یا جز ۳۵ از ماده ۲) اختیاری که بخزا دار کل داده شده است جزء ۳ از ماده ۲ اختیارات مینویسند اداره کل معاملات نقدی که کلیه معاملات دولت با بانک و اعمال راجعه بضرر سکه و صرافتی و استراض و مراجه و استتلاک و استعمال و امتیازات و قرارداد های مالیه اعم از اینکه قرارداد های مزبور عایداتی برای دولت تحصیل نموده یا متضمن تعهدات مالیه از طرف دولت باشد با رعایت قوانین مقرر راجع بآن اداره خواهد بود اداره کل معاملات نقدی که باو امتیاز داده شده است تعیین تکلیف این اداره را که میکند در این ماده اینطور مینویسد و من نمیدانم چطور است که آقایان بفرمایند این شامل او نیست و تفسیر قانون هم از مختصات مجلس است آیا يك نفر میتواند بیاید برای مجلس تفسیر بنویسد خیر مگر اینکه این قانون که از مجلس گذشته تا به مجلس بیاید و مجلس آنرا تفسیر بکند و مجدداً قراری در این باب بگذارند مادامیکه آن قانون را مجلس شورای ملی تفسیر نکرده است بنده تصور میکنم که نمیتوانیم بگوئیم که این ماده شامل این قرارداد نیست

نایب رئیس - تمام فرمایشات شما راجع به کلیات بود باز داخل شده اید در کلیات .

حاج عز الممالک - حقیقتاً بنده این ایراد آقایان را هیچ عقیده ندارم عقیده داشتم که از این قبیل مذاکرات در این لایحه نمیشود حالا بعضی از آقایان میفرمایند که چرا بنظر خزانه دار کل برسد است این ایراد آقایان باعث این نمیشود که اصل لایحه وارد و يك موضوعی قرار بدهیم که چرا بنظر خزانه داری کل برسد است اگر چنانچه باید این قبیل پیشنهادها بنظر خزانه داری کل برسد پس بنده تصور میکنم که هیئت وزراء و مجلس هیچ لازم نیست که يك لایحه در هیئت وزراء مطرح شود و بیاید بمجلس آن وقت بگوئیم که خزانه دار کل چرا نظر نکرده است البته این قبیل پیشنهادها راجع بمجلس است اول از طرف وزیر پیشنهاد میشود بمجلس و میرود بکمیسیون بعد از کمیسیون بمجلس میآید و اکثریت مجلس تصویب میکنند که داخل مواد بشود باز آقایان ایراد مینمایند که باید بنظر خزانه دار کل برسد این ترتیب قانونی نیست تصور میکنم که اگر داخل در مواد شویم باز آقایان بفرمایند که نظر خزانه دار کل لازم است بنده خودم یکی از آن

اشخاصی هستم که میگویم البته باید بنظر خزانه دار کل برسد میگویم البته خزانه دار کل میباید در تمام عایدات دولت نظر کند لیکن این مربوط باین نیست که یک قرارداد دولت میخواند بکنفر ایرانی بدهد ما ایراد کنیم که چرا خزانه دار کل دروا نظر نکرده است بنده موافق هستم باین لایحه مخصوصاً نظریاتی که در ضمن این ماده دارم این است که مقنن رعایت بکند آشنایلی را که با کمیانی سابق داشته است و این لایحه تمام آشنایلی را مراعات کرده اند و همینطور باید تصدیق کرد و رأی داد که بهتر از این نخواهد بود که ما امروز رأی میدهم برای یک ایرانی بخلاف آنچه سابق رأی داده شده است برای یک خارجی

نایب رئیس - مخبر در این باب چه میفرمائید.
افتخار الواعظین - مخیر کمسیون - ضرر ندارد کمیسیون قبول میکند نوشته شود موافق مواد ذیل -

نایب رئیس - ماده دوم خوانده میشود (اظهار شد باید در ماده اول رأی گرفت در این لایحه باید یکشور بشود -

نایب رئیس - صحیح است سابقاً غالب کتراتها یکشور شده است -

حاج سید ابراهیم - بنده گمان نمیکنم دو شور لازم داشته باشد بجهت این که همیشه مجلس در کتراتها و امتیازات یکشور میکرد حالا چه طور شده که در این لایحه باید دو شور بشود -

مقین السلطنه - بله سابقاً دو کتراتها همین طور که فرمودند یک شور میشد و اخیراً هم که بنظر میاید مسئله لوله نفت کمیانی نوبل بود که دو او یک شور شد و این لایحه کلاً بآن مسئله شباهت دارد علاوه بر این وقت هم ضیق است پس بهتر این است که در این لایحه یک شور بشود و زودتر بگذرد و گمان نمیکنم اشکالی هم ندارد -

آقا میرزا احمد - بنده میدانم چه جهت پیدا کرده است که این قدر در این لایحه تمجیل دارند اینکه میفرمایند سابقاً تمام امتیازات یک شور شده اینطور نیست و تا بجال هر چه امتیاز به مجلس آمده است دو شور شده از قبیل مسئله صابون سازی و غیره امتیاز نوبل هم که یک شور شده بواسطه این بود که فوریتش را تقاضا کرده بودند والا باقی امتیازات دو شور شده است حالا چه جهت دارد که اینقدر میخوانند تمجیل کنند بله اگر قبل از داخل شدن در مورد تقاضای فوریت کرده بودند ممکن بود ولی حالا نمیشود بجهت اینکه مجلس داخل در مواد شده است و باید دو شور شود -

نایب رئیس - مذاکرات کافی نیست -
ذکاء الملک - حالا نمیشود رأی گرفت بجهت اینکه این امتیاز نامه یک قانونی است که بموجب آن قانون یک امتیازی بفلان شخص میدهند و باید دو شور شود یکی در فوریت آن رأی گرفته شود آنهم حالا نمیشود بجهت اینکه داخل مواد شده ایم -

نایب رئیس - داخل مذاکرات در ماده ۲ میشویم -

(ماده ۲ بصورت ذیل قرائت شد)
ماده ۲ - دولت متعهد میشود که از هر مقدار خاکی که علاوه بر سیزده هزار تن (اکسیدوفر) موجودی حاج معین التجار که دولت ایتباغ کرده و مبلغ بیست و چهار هزار لیره که در اذای ۱۱۲۹۴ تن و به قیمت آن بمعزیه الیه حواله شده که برداشت نماید تا میزان سی هزار تن که بموجب قرار داد باید بمسئول استریتیک تحویل داده شود صدی ۱۰ بعنوان مصارف استخراج بجای معین التجار بدهد مشروط بر اینکه اگر خاک موجودی حاج معین التجار کمتر از سیزده هزار تن شد جهت کسر را تا سیزده هزار تن از قرار هرتنی ۴۲ شلینگ و نیم بدولت علیه بپردازد و اگر خاک موجودی بیشتر از سیزده هزار تن شد حاج معین التجار حق مطالعه قیمت مقدار لایحه و ندارد -

نایب رئیس - آقای لواء الدوله مخالفید
لواء الدوله - مخالف نیستم فقط در اینجا الفاظی که نوشته شده است میخوانم عرض کنم اولاً اینکه شاید لازم داشته باشیم که تن را بنویسیم لیکن لازم است خرداد هم عقیب نوشته شود همینطور شلینگ اگر قران بود چه ضرری داشت چون بنده نمیدانم شلینگ چندشاهی و تن چند من است والا نمیدانم بچه رأی خواهم داد پس اگر فارسی نوشته شود بهتر است -

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد) -

ماده ۳ - حاجی معین التجار مستلزم است که بقیه قیمت خاک خریداری مستر استریتیک را بعد از وضع سیزده هزار تن با انتضای مدت قرارداد استریتیک بدولت کار سازی دارد و در صورت نرسیدن اقساط مقرر دولت قادر بر فسخ این قرار داد خواهد بود
نایب رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد)

ماده ۴ - اگر با انقضای مدت قرارداد دولت با مستر استریتیک ۶ سال باشد حاج معین التجار اضافه بر سی هزار تن که در این مدت بمسئول استریتیک فروخته شده با استریتیک یا دیگری بفروشد معاون صدی ۷۰ باید قیمت آنرا بدولت کار ساز داد
نایب رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد)

ماده ۵ - پس از انتضای مدت قرارداد مستر استریتیک هر مقدار خاکی که از جزیره مزبور استخراج شود مقرر آ صدی ۷۰ آن حق دولت است صدی ۱۲ از بابت مصارف و حق الزحمه بجای معین التجار تعلق خواهد گرفت -
نایب رئیس - در ماده مخالفی است -
میرزا داود خان - بنده خواستم بدانم علت اینکه باید صدی ۲۰ حق با داده شود چیست بنده بآنجا رفته ام شاید بعضی از آقایان هم رفته باشند آنجا هیچ چیز ندارد چند نفر عمه است چندما کلنگ و بیل فقط همین است یک وزنه هم دارد چند تاجر خجای خاک کشی و یکی از این استملخ کشتی دریائی نمیدانم علت اینکه صدی ۲۰ برای آن چندتا عمه که خاک را ببرند لب دریا چیست آقای مخبر خوب است توضیح بدهند -

افتخار الواعظین - مخبر - اینکه فرمودند که مصارف جز چندتا کلنگ ندارد چرا دولت صدی ۲۰ میدهد بجای معین التجار بر حسب این قرار داد غیر صورت گمرک را که مخارج آن جارا نوشته میخوانم که اینطور هست که میفرمایند در صورت گمرک نوشته است اجرت مدنجی و مستحقین مخارج خوراک معدن چنان مخارج متفرقه در معدن حمل و نقل خاک و قایق اجرت بست و تلگراف اداره محاسبات جمع ۱۶۰۰۵۴۴ قران باین حال معین است که کلنگ مال معین التجار کیسه هائی که آنجا خاک پر میکند مال معین التجار انبار هم متعلق بمعین التجار قایق هم مال معین التجار یک کشتی بنگاری هم مال معین التجار آنجا راه انداخته اند که اداره گمرک بوزارت مالیه بنویسد پنج هزار تومان بمن اعتبار بدهد باین اسباب را غیر از کشتی بخار بجهت دولت بخریم بعد از اینکه این اسباب متعلق بمعین التجار است دولت صدی ۲۴ خرج کرده است چه طور زیاد میدانید که پنج سال اول

صدی ۱۰ و در سه سال آخر صدی ۲۰ باو بدهد دولت در مقابل فرمان وسایر دهاوی معین التجار سالی این مبلغ حق الزحمه بدهد زیاد نیست در صورتی که صدی ۲۴ آنرا کنار بگذارید صدی ۱۰ باو داده اید -

شیخ غلامحسین - بنده کمال موافقت را دارم تا اینکه باید کتفر تاجر ایرانی یک معامله بدولت بکنند که منتفع بشود از آن معامله و هر ضعیف میکنم حافظ قانون باید خود مجلس شورای ملی باشد ولی قانون را که خود و کلاه میباید حافظ آن باشند نباید خودشان طرد و منع کنند اگر اینطور باشد مملکت اداره نمیشود بنده عرض میکنم که موافق آن قانونیکه در نظر دارند این ماده که صدی ۲۰ حق الزحمه معین کرده مخالف است باینکه ماده از آن ۱۲ ماده ماده اختیاراتی که بخزانه دار کل داده شده است نوشته است خزانه دار کل باید نظر در کتب مخارجات دولتی بدون استثناء و در حوالجات مستقیم داشته و با تصویب او باشد این صدی ۲۰ که حق الزحمه داده میشود مخارج است و باید این ماده بنظر خزانه دار کل برسد من اگر خزانه دار کل تصدیق کند صدی ۳۰ را هم رأی خواهم داد ولی باین ترتیب که اگر خزانه دار کل تصویب بکند رأی نخواهم داد -

مقین السلطنه - بنده عقیده دارم که بیش از این صلاح نباشد متوسل بقانون ۲۳ جوزا بشویم بجهت اینکه تشریح او را پیش از آنکه آقای وزیر امور خارجه توضیح دادند لازم نمیدانم این مواد را جمع بآن مطالبی است که پس از آنکه از نظر وزراء و تصویب مجلس گذشت آن وقت او ناظر خواهد بود و نگاهداری محاسبات او با خزانه دار کل خواهد بود و بیش از این متمسک شدن بآن لایحه جز اینکه بکنکری بر ترتیب حاضر وارد بیاید نیست و اما راجع باظهارات آقای میرزا داود خان که گفتند چرا صدی ۲۰ داده شود و مخبر دست توضیح ندادند بویاید گفته شود و آن اینست که یک مقدار آذوقه که متعلق بجای معین التجار است از قبیل خرما و برنج و غیره که گرفته و بمصرف رسانده اند و قیمت او را حساب نکرده و دیگر آنکه مأمورینی که آنجا هستند مأمورینی آنها را گمرک میدهد اگر میخوانیم حقوق آن مأمورین را هم حساب کنیم و آن آذوقه را هم حساب کنیم باید بآن صورت اضافه کرد آنوقت تصدیق خواهید کرد که صدی ۲۰ خیلی کم است -

میرزا داود خان - بعد از فرمایشات آقای مخبر اظهارات آقای مقین السلطنه معلوم شد آقای حاج معین التجار یک ندی کرده اند بنده تصدیق دارم که زحمات حاجی معین التجار را باید ملاحظه کنیم ولی ایشان در مخارج طوری میتوانند صرفه وئی کنند که دولت نمیتواند -

نایب رئیس - این فرمایش صحیحی نبود -
مقین السلطنه - توضیحی دارم -

نایب رئیس - بفرمائید -
مقین السلطنه - آنچه آنها خرج کرده اند حاج معین التجار میتواند از آن مخارج یک مفداری صرفه جوئی نماید -

مهرز الملک - بنده تصور میکنم مخالف بنده حقیقه مربوط بصدی ۲۰ و ۲۰ بجهت اینکه

اطلاعات کامل ندارم که استخراج از این معدن چه خواهد بود که بگویم شاید ۲۰ زیاد باشد یا آنکه کم باشد ولی مخالفت بنده در این ماده مربوط است بقانون ۲۳ جوزا حقیقه ما داریم افرات و تفریط در هر کاری میکنیم هر وقتی که در یک موضوعی میخواهیم داخل شویم یک مسئله که در نظر ما کهنه میشود و بکلی فراموش میکنیم و بکلی از او و گردان میشویم در این لایحه دو مطلب است که باید بکلی از هم تفکیک بشود قسمت آن که حاج معین التجار مطالبه خسارت میکنند از زمانی که او معدن را استخراج کرد و دو اجاره او بوده دروای دان و وجه خسارت البته هیچ بنظر خزانه دار کل محتاج نیست و این حق مشروع معین او است و حکم خداست و البته وجه خسارت مردم را باید داد و اما یک قسمت دیگر هیچ مربوط بخسارت نیست مربوط است باین که دولت میخواهد یک معامله تازه بکند و یک معدنی را ده ساله بیک نفر اجاره بدهد و البته در این نظر خزانه دار کل لازم است و هر کس بگوید این جزء معاملات دولت نیست من تصدیق نمیکنم بجهت اینکه مجلس خودش باید حافظ قوانین باشد در ماده ۹ لایحه ۲۳ جوزا میگوید : خزانه دار کل هر نوع صرفه جوئی در معاملات دولتی باید بعمل آورد و این یکی از تکالیف حتمیه اوست این قسمت دوم که دادن معدن جزیره هرمز است بکنفر باید او باشد و ممکن نیست که کسی جز این تصدیق کند وقتی یک کسیرا محکف میکند که هر نوع صرفه جوئی در عایدات مملکت میکند او چه وقت میتواند در آن معامله صرفه جوئی کند البته قبل از وقت میتواند صرفه جوئی کند پس در این صورت کسی نمیتواند بگوید که اجاره دادن معدن جزء معاملات دولت نیست پس باینجهت بنده در این ماده مخالف نیستم و عرض میکنم این لایحه را باید دو قسمت کرد و آن قسمت که حق مشروع اوست دولت اگر پول هم ندارد باید قرض کند وجه خسارت او را بدهد ولی آن قسمتی که راجع بآن معاملات است مطابق ماده ۹ قانون ۳ جوزا مجبور است بنظر خزانه دار کل برسد -

افتخار الواعظین - مخیر کمسیون - اینجا بنده باید بگویم واقفم که آقایان قانون ۲۳ جوزا را باین شکلی که معین میفرمایند فردا لازم میشود حقوقی هم که به و کلا داده میشود بنظر مستر شوشتر برسد و هکنفد مواجیبیکه وزراء میگیرند اینجا یک قدری توجه بفرمایند بعد هر فرمایشی دارند بیایند اینجا بفرمایند عرض میکنم دو کمیسیون که مذاکره کردند آقای دکتر اسمعیل خان آقای علی زاده و آقای انتظام الحکماء و آقای معین الرعایا و غیره تشریف داشتند و ملاحظه فرمودند که حاجی معین به هیچ وجه اصرار بگرفتن این جزیره ندارد و حرفش اینست که من مفداری خاک داشته ام یک مفداری از آن خاک مرا دولت فروخته است و یک مفداری باقی است یا تمام قسمت خاکی را که داشته ام یا اینکه هر قدر خاک موجود است عین خاک را بدهند باقی را که فروخته شده بدهد پولش و مالیاتیکه میفرمایند این باید موافق آن قانون بنظر خزانه دار کل برسد بیش از این بنده نمیتوانم عرض کنم ولی ممکن است دولت در اینجا دو نظر داشته باشد و احتمال

دارد که اگر بزیاده نگذارند اشخاصی پیدا شوند که صدی ۹۹ بدولت بدهند و صدی یک برای مصارف بردارند ولی دولت نظریکه بجزیره هرمز دارد ابتدا راضی نمیشود که آن جزیره را بواسطه اهمیت که بآن جزیره میدهد ب دیگران بدهد و باینکه بگذارند او همیتی که دولت باین معامله میدهد از بابت این خاک است بلکه از نظری است که دولت بجزیره هرمز میدهد و بنده عرض میکنم که کمیسیون فواید عامه در این باب تحقیقات کامل کرده و فایده دولت و ملت ایران اینست که صدی ۲۰ بجای معین التجار بدهیم -

مهرز الملک - سوء تفاهمی شده باید عرض کنم -

نایب رئیس - سوء تفاهم را بفرمائید

مهرز الملک - بنده از اظهارات مخیر همچو ملتفت شده ام که بنده را مخالف این میدانند که جزیره هرمز با آقای حاج معین التجار با صدی ۲۰ داده شود بنده که در نطق ابتدائی خود توضیح داد و حقیقه میدانم که حاج معین در باب آن خاک خیلی خیلی زحمت کشیده است و عرض کردم بنده داخل این نیشو میبودم اینک داخل این موضوع بشوم عرض کردم که ماده ۹ قانون ۲۳ جوزا را که قانونی است خیلی ساده و هم قانونی است که هر کس میتواند بفهمد و برای و سواى مخبر و بنده هم میتوانند درک نمایند و بفهمند این مسئله که یکی از معاملات دولتی است و باید بنظر خزانه دار کل برسد -

نایب رئیس - گویا مذاکرات کافی است و بیش از این نیشو مداما کرده کرد شود اول است و مداما کره کافی است -

لواء الدوله - احطار قانونی که عده کافی نیست -

نایب رئیس - برای مذاکره کافی است ماده (۶) قرائت میشود ماده ۶ بضمون ذیل قرائت شد قرارداد لازمه این اجاره و استجاره قیما باین وزارت فواید عامه و آقای حاج معین التجار نسخین مبادله گردید -

هشتر و شی - بنده میخوانم دو اشکال این جا بکنم واقماً یکی برای این است که خاک عین است غلط است اجاره و استجاره آن مثل کنیم که عین آن را بر میدارند مگر اینکه بگویند معین است و خاک تولید میشود مثل آب که تولید میشود این اشکال شرعی مانده حالا که اجاره شده صریحاً ماده ۹ همان قانون که بنظره دار کل اختیار داده شده است مخالف است جهش هم این است که ماده ۹ راجع به اجاره و استجاره است و آنهم نوعی از معاملات و در آن جا نوشته هر نوع صرفه جوئی را در معاملات دولت باید بنمایند چون این جا معامله دولتی است و باید نظرات او درش بشود بنده از این جهت مخالفم و این را بآن قانون مخالف میدانم حالا اینکه دولت در آن جا بکنیکه دارد و باید بجای معینی داده شود جواب این مسئله را نمیدهد -

حاج سید ابراهیم - اولاً جواب آقای هشتر و شی را عرض کنم در باب صحت اجاره عرض میکنم این است که دولت اراضی معدن را اجاره میدهد که استفاده کنند از شبئی و اجزاه معدنی و اما در باب اینکه مکرر مذاکره میشود و باید این لایحه

لواء الدوله - بنده با مدت مخالف گمان این است که اگر یک قدری دقت کنیم مدت رایتیک قدری کمتر کنیم برای دولت و ملت بهتر است مدت وقتیکه ده سال شد شاید در این ده سال خاک ترقی کند یا تنزل کند چرا آن بیچاره ضرر بکند و اگر ترقی بکند چرا عایدی آن بدولت نرسد از این جهت بنده پیشنهاد کرده ام که مدت آن کمتر شود -

حاج شیخ علی - آقای لواء الدوله گمان میکنم که اگر مدت کم باشد بهتر است خیلی چیزها است که راجع بآن جا نیست چون در سال خیلی از آن مصرف میشود و این یک مقدار معینی در سال از این خاک مصرف میشود غیرالتهایه نیست و نمیشود کسی را که یک امتیاز فوق العاده داشته است بکنفر از تجار ایرانی بوده است محروم کرد و اگر بکنفر از خارج بود نمیتوانستیم مذاکره کنیم حالا چون از داخله است اینقدر در این لایحه که بهتر از این نمیشود نباید مذاکره بکنیم حالا اینجا بگویند صدی ۲۰ زیاد است در صورتیکه این شخص که امتیاز داشته صدی ۲۲ خرج کرده است و صدی یک فایده برده است در صورتیکه مخبر فرمودند دولت صدی ۲۴ خرج کرده است فرضاً هم یک مفداری هم زیاد شده باشد برای این است که این مخارج را کرده و زحمت کشیده مقدار معینی هم فایده برده ضرر ندارد باین جهت بنده تصویب میکنم -

افتخار الواعظین - خاطر آقای لواء الدوله را مستحضر میکنم که دولت اجازه نمیدهد بیک معینی که ترقی یا تنزل نماید دولت قرار میدهد که از تمام محصول آنجا صدی ۱۰ او بردارد و صدی ۸۰ بدولت بدهد یا این که صدی ۲۰ او بردارد و صدی ۷۰ بدولت بدهد و این چه ترقی بکند و چه تنزل ضرری بدولت نمیکورد -

نایب رئیس - گویا مذاکرات کافی است (پیشنهادی از طرف بجهت شده است قرائت میشود) (عبارت ذیل قرائت شد)
بنده تقاضا میکنم که بعد از مدت ده سال نوشته بشود بشرایط ذیل -
بجهت - در این ماده نوشته این معدن تا ده سال و گذار میشود بجای معین التجار اگر این ماده باین طور بگذرد باقی مواد دیگر لغو میشود در حالتیکه باید او رعایت مواد ذیل را بنمایند پس باید قید کنیم و گذار میشود بناو بشرایط ذیل والا این ماده کلیات این لایحه است و هیچ قیدی ندارد و تمام شرایط نیست پس باید این قید در این ماده بشود

بنظر خزانه دار کل برسد و بزرگ اینجا ارجاع لایحه را روی ملاحظات خزانه دار کل اظهار مینماید قانونی مورخه ۱۳ جوزا آنکه آمد در این جا و گذشت و رأی دادند من جمله از آن اشخاص که رأی دادند بنده بودم لکن عقیده ام این است که این پیشنهادیکه وزراء کرده اند مخالفی با آن ندارد و اگر مخالفی هم داشته باشد بنظر بعضی است بعضی میگویند تصویب مجلس بدون نظرات خزانه دار کل مخالف است بعضی میگویند مخالف نیست در این صورت رأی مجلس قاطع خواهد بود و اگر مجلس رأی در مخالفت یا موافقت بدهد تفسیر خواهند بود و عرض میکنم که معاملات جاریه و عواید دولتی را باید خزانه دار کل نظر کند و الا در معاملات جهات و بلتیکس دار در چنانچه منجر بیان کردند که اگر کسی در صدی نود و نه قبول نماید باز نمیتوان واگذار باو کرد چرا برای این که بملاحظات و بلتیکس ضرر دارد از این حیث نظریات دولت مناسبات و تصویب مجلس و ربطی به نظریات خزانه دار و وظایف او ندارد و نظر خزانه داری شکل را در امور بلتیکس بنده مدخلیت نمیدهم و باید فهمید که وظیفه خزانه دار کل چیست بقیه بنده وظیفه او این است که مطابقی را که مجلس تصویب کرد از حیث عایدات و مبالغه آن نظارت داشته باشد که حیف و میل نشود و هر قرارداد و امتیازی را که مجلس تصویب کرد آنرا اجرا بکند و یکی آنکه ماز و وظائف اوقاف دادیم صرفه جویی در امور مبالغه مانتباید در هر امری بپرسیم که صرفه جویی کرده است یا نه او وظیفه دارد که مأمور اجرای آن است نهایت آنکه اگر از خارج معلوم کردیم که صرفه جویی نکرد باید از وزارت مبالغه سؤال و استیضاح بشود والا مجلس و هیئت دولت نمیشود تمام کارهای خود را باید بگذرانند زمین و همشان را مصرف این بکنند که به بینم وظیفه خزانه دار بعمل آمده است یا نه دیگر آنکه توقیف امری که حق مجلس است بر رأی شخصی خارج از مجلس بلکه تقدیم نظر او بر رأی و تصویب مجلس و این خودش بر خلاف قانون اساسی است بجهت اینکه مجلس در تمام حقوق و قوانین ادارات دولتی و غیر دولتی حق نظر دارد و وزراء مسئول تمام امور مملکت نیستند در نزد مجلس و مستخدمین هم مسئول وزراء هستند و تصویبات مجلس موقوف برای احدی نیست مجلس نباید نظرات شخصی باشد مثلا اول معلوم کند که رأی فلان شخص خارج در این تصویب هست یا نه باید خودش به بیند اگر صلاح ملتی و مملکتی است تصویب کند والا فلا و موقوف کردن نظر فلان شخص یا خارجی بشکلی بر خلاف قانون اساسی است

بنظر خزانه دار کل برسد و بزرگ اینجا ارجاع لایحه را روی ملاحظات خزانه دار کل اظهار مینماید قانونی مورخه ۱۳ جوزا آنکه آمد در این جا و گذشت و رأی دادند من جمله از آن اشخاص که رأی دادند بنده بودم لکن عقیده ام این است که این پیشنهادیکه وزراء کرده اند مخالفی با آن ندارد و اگر مخالفی هم داشته باشد بنظر بعضی است بعضی میگویند تصویب مجلس بدون نظرات خزانه دار کل مخالف است بعضی میگویند مخالف نیست در این صورت رأی مجلس قاطع خواهد بود و اگر مجلس رأی در مخالفت یا موافقت بدهد تفسیر خواهند بود و عرض میکنم که معاملات جاریه و عواید دولتی را باید خزانه دار کل نظر کند و الا در معاملات جهات و بلتیکس دار در چنانچه منجر بیان کردند که اگر کسی در صدی نود و نه قبول نماید باز نمیتوان واگذار باو کرد چرا برای این که بملاحظات و بلتیکس ضرر دارد از این حیث نظریات دولت مناسبات و تصویب مجلس و ربطی به نظریات خزانه دار و وظایف او ندارد و نظر خزانه داری شکل را در امور بلتیکس بنده مدخلیت نمیدهم و باید فهمید که وظیفه خزانه دار کل چیست بقیه بنده وظیفه او این است که مطابقی را که مجلس تصویب کرد از حیث عایدات و مبالغه آن نظارت داشته باشد که حیف و میل نشود و هر قرارداد و امتیازی را که مجلس تصویب کرد آنرا اجرا بکند و یکی آنکه ماز و وظائف اوقاف دادیم صرفه جویی در امور مبالغه مانتباید در هر امری بپرسیم که صرفه جویی کرده است یا نه او وظیفه دارد که مأمور اجرای آن است نهایت آنکه اگر از خارج معلوم کردیم که صرفه جویی نکرد باید از وزارت مبالغه سؤال و استیضاح بشود والا مجلس و هیئت دولت نمیشود تمام کارهای خود را باید بگذرانند زمین و همشان را مصرف این بکنند که به بینم وظیفه خزانه دار بعمل آمده است یا نه دیگر آنکه توقیف امری که حق مجلس است بر رأی شخصی خارج از مجلس بلکه تقدیم نظر او بر رأی و تصویب مجلس و این خودش بر خلاف قانون اساسی است بجهت اینکه مجلس در تمام حقوق و قوانین ادارات دولتی و غیر دولتی حق نظر دارد و وزراء مسئول تمام امور مملکت نیستند در نزد مجلس و مستخدمین هم مسئول وزراء هستند و تصویبات مجلس موقوف برای احدی نیست مجلس نباید نظرات شخصی باشد مثلا اول معلوم کند که رأی فلان شخص خارج در این تصویب هست یا نه باید خودش به بیند اگر صلاح ملتی و مملکتی است تصویب کند والا فلا و موقوف کردن نظر فلان شخص یا خارجی بشکلی بر خلاف قانون اساسی است

نایب رئیس - اصلاح عبارتی از طرف آقای مدرس پیشنهاد شده است خوانده میشود (مضمون ذیل قرائت شد) - بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ششم چنین نوشته شود - قرار لازمه بر طبق مواد قبایلین وزارت فوائد عامه الی آخر -

مخبر - بطوریکه مرقوم فرموده اند کمیسیون قبول میکند -

ماده ۷ - عبارت ذیل قرائت شد -

ماده ۷ - تمام معاملاتی که حاجی معین التجار در مدت ده سال در خصوص خاک قرمز اکتید و فر با هر کس بنماید باید با اطلاع دولت باشد -

مخبر - این ماده ۷ را ششم قرار بدهید و ششم را هفتم آنوقت صحیح میشود -

نایب رئیس - میرد به کمیسیون اصلاح میشود -

مجلسان الحکماء - در این ماده بنده در نظر دارم یکی اینکه تمام معاملات که حاجی معین التجار در مدت ده سال داده میشود ماده سوم اینرا مترازل مینماید که دولت قادر هر فرسخ معامله خواهد بود این را بنویسند در مدت قرارداد و جمله دوم را که با اطلاع دولت باشد قبل از وقت با اطلاع دولت برسانند والا تعارف است -

معین الرعايا - میخواستم عرض کنم مقصود از آن ماده نیست که بعد از معامله بنظر دولت برسد مقصود این است که باید در تحت تقیث دولت باشد -

نایب رئیس - آقای میرزا احمد سوه تقاضی

شده بود میخواستید بفرمائید بفرمائید -

آقای میرزا احمد - دوستم اینجا داده شد که بنده لازم میدانم دوست وارد کنم این مخالفی که از جارف ماها شد چه در مواد راجع باین بود که میخواهند این اشیاء را از این شخص بگیرند مخالفت ما از این جهت نبود عرض نمیکم که رأی دادیم و عرض هم نمیکم که رأی ندادیم که آقای حاج عزالمالک دلیل رد کردن ما را گفتند و فرمودند که میخواهند رد کنند بهانه خزانه دار کل را قرار میدهند هیچ رد نمیکم نظر ما فقط بهمان قانون ۲۳ جوزا است و وجهش ذکر شد و آنکه آقای حاج سید ابراهیم فرمودند که نسبت بخارج این ملاحظات نیست و نسبت بداخله است خیر فقط همان مقصود قانون ۲۳ جوزا است و الان هم که رأی داده شد که مذاکره شود برخلاف قانون بوده و این مذاکره را هم قانونی نمیدانم -

آقای عزالمالک - بنده مقصودم بکسی نبود بنده عرض کردم اگر کسی مخالفت بکنند باید با مراد این لایحه مخالفت بکند والا عقیده آقایان این است که این لایحه مخالف قانون ۲۳ جوزا است بنده عقیده ام این است که موافق است و این را اکثریت مجلس قطع میکند هیچ دلیل ندارد که اصل لایحه را رد کنند -

نایب رئیس - ماده العاقبه از طرف آقای مساوات رسیده خوانده میشود عبارت ذیل خوانده شد (بنده پیشنهاد میکنم که ماده ذیل را بعنوان العاقبه اضافه نمایند - هر گاه بعد از انقضای مدت کتیرات معلوم شود که از این معین فوق العاده در خارجه موجود نموده که سالها معین را مسلوب المنفعه کرده باشد صاحب امتیاز باید از عهده خسارت دولت برآمده معادل آن بدولت بپردازد -

آقای سید محمد رضای مساوات - چون از قراری که تعقیب شده این خاک پیش از یک مقدار مصرف معینی ۱۵ هزار تن مصرف ندارد که ۱۲ هزار تن در انگلیس مصرف میشود - ۳ هزار تن در هند ولی میشود همه ساله در معین مبلغ گزافی انبار کرد و اگر کسی که مستاجر است نخواهد که انبار کند و توده سال دیگر در خارجه بفروشد معین دولت را مهمل نماید و همچنین تالیست سال الحاصل بنده لازم دانستم که این پیشنهاد را بکنم که يك ضرر کلی بدولت نخورد -

نایب رئیس - مخبر قبول دارند این پیشنهاد را -

مخبر - بنه بیاید بکمیسیون -

نایب رئیس - ۲ فقره راپورت کمیسیون بودجه هم در دستور داریم (گفتند وقت گذشت)

نایب رئیس - پس دستور روز یکشنبه ۳ ساعت بغروب مانده شور در بقیه نظامنامه انتخابات راپورت کمیسیون فواید عامه راجع به بجلا بانیس - راپورت کمیسیون بودجه راجع بصغار عیسی خان و فتح الله خان و عباس قلیخان

حاج سید ابراهیم - استدعا دارم بفرمائید قبل از حرکت رئیس آقایان نمایندگان نروند دیگر آن که مکرر در باب نوشتجات و اسنادیکه از هر شخصی بدست آمده مذاکره شده که کاهنجانی از آنها در دست است بنده خواهش دارم نادوره

انتخابیه باقی است هر چه اسناد هست بیاورند که معلوم شود خادم ملت کسیت و خائن ملت کسیت بجهت این که امین ملت مجلس است و دولت بتوسط مجلس امین است این است که استدعا میکنم تمام اسنادیکه بدست آمده حتی استنطاقات مثبت اسنطنه خواسته شود زیرا بزرگترین امریکه برای حفظ شرف بروکلا لازم است رفیع بعضی اتهامات است که رد میشود و خیلی لازم است (اغلب تصدیق کردند)

ادب التجار - خوب است آقای نایب رئیس يك تذکری به آقایان نمایندگان بفرمائید که ملاحظه نظم مجلس را از دست ندهند و مجلس ختم نشده تشریف ببرند بکسر هم این است که البته آقایان نمایندگان شها در سر سفره نمان دارند و بدر دل فقرا میرسد و علت تأکیدات مراد در مسئله نان میدانند و در باب قانون منع احتکار که مکرر بمجلس آمده و بکمیسیون برگشته تقاضا میکنم جزو دستور نمایند که برای آتیه جلوگیری کامل از محتکرین بی انصاف بشود مسئله دیگر ما هم که گمان میکنم آقایان نمایندگان کاملا با ما موافق در این اظهار باشند و ممانعت نفرمایند و محتاج به رأی گرفتن هم نباشد و از هر چیزی مهم تر است از مقام منبع نیابت ریاست نما میکنم مقرر فرمائید از جانب مجلس شورای ملی تجدید تأکید بهیئت وزراء بشود اسناد و نوشتجات و تلگرافاتی که در خصوص معیبت با معضین و بلتیکس بدست آمد چنانکه در مجلس قریب با اتفاق رأی داده شد بمجلس بیاورند که خاطر نمایندگان بخوبی مسبوق شود و شناخته شوند اشخاصیکه باعث تمام این آشوبها شده اند علت دیگر اصرار بنده این است که در روزنامه خواندم که نوشته است در خصوص دعوت شاه مخلوع بر ایران تقریباً در این مواضع کافعی از حبیب ارشد الدوله بامضای وکیل مجلس در آمده است و همان روزنامه و این جمله از نگارش او را خدمت حضرت رئیس مجلس هم ارائه دادم و اگر روزنامه را نخوانده بودم روی ترین باین اصرار نمیگفتم بوزرای عظام تأکید فرمایند فوری تمام اسناد را بمجلس بفرستند دیگر سؤالات زیادی در مطالب مهمه از وزراء فحاش نموده تأکید را بفرمایند که حاضر شده اقدامات خودشان را در این مدت بفرمایند و مذاکرات دیگر آن که خواهش میکنم این دو ماده قانونی شده در باب حقوق مخالفین سلطنتی حالیکه بنا بود جزو دستور شود جزو دستور بگذارند -

نایب رئیس - ذکر میشود

ادب التجار - بنده يك چیزی را استدعا کردم که تأکید شود به هیئت وزراء و آن راجع بود باقدام وزراء در باب اوراق مضره و دیسگر جواب سؤالات که از وزراء نمایندگان داشتند که از طرف هیئت رئیسه تأکید شود و بگویند که چه اقدام کرده اند در باب آن سؤالات که یکی از آن ها راجع بعمل نمان و گندم است و قانون منع احتکار که آن قانون یکی از سخت ترین مجازات است و حمل مجازات محتکرین است و سؤالات دیگر که مفصلا در دوسیه های مجلس ضبط است و فراموش شده است در صورت مجلس بنویسند و یکی هم استدعا میکنم که در صورت مجلس گذشته آن دو ماده را نوشته بودند و مخصوصاً قید فرموده بودند که جزء دستور باشد و امروز از قلم افتاده است این را هم استدعا میکنم که بفرمائید بنویسند

نایب رئیس - این فقره هم اصلاح میشود دیگر ملاحظاتی نیست - صورت مجلس تصویب شد قانون انتخابات ماده ۱۵ خوانده میشود (بجارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۵ - انتخاب نمایندگان - به اکثریت نسبی است -

نایب رئیس - هر دو مطلبیکه ادب التجار ایراد کردند واقع قابل اهمیت است و باید با جدیت تمام مطالبه شود و دوماده ایشان بکمیسیون مبتکرات رجوع شده است -

مجلس یکساعت و ۳ ربع از شب گذشته ختم شد

جلسه ۳۱۱

صورت مشروح روز یکشنبه ۲۸

شهر شوال ۱۳۲۹

مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای میرزا رضی قلیخان نایب رئیس تشکیل گردید صورت مجلس روز شنبه ۲۷ را آقای میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند - غائبین جلسه قبل غالبین بدون اجازه: آقایان حاج وکیل الرعایا

سلیمان میرزا - میرزا علی اکبر خان - آقا سید محمد باقر ادیب -

بالاجزه: آقایان حاج آقا - دکتر لقمان - آقایانیکه بوقت مقرر حاضر نشده اند: دکتر علی خان دو - اعلی با اجازه متین السلطنه ۳۵ دقیقه بدون اجازه -

نایب رئیس - آقای منتصر السلطان فرمایشی داشتید در صورت مجلس -

منتصر السلطان - بنده مخالفت نداشتم و اینجا در صورت مجلس نوشته است که مخالف بودم بنده گفتم که آیا این لایحه بنظر خزانه دار کل رسیده است یا خیر و این مسئله را از وزارت مبالغه سؤال کردم مخالف نبودم -

نایب رئیس - اصلاح میشود

میرزا داودخان - تقاضای بنده راجع باین بود که نظریات خزانه دار کل معلوم شود و در پیشنهاد نوشته بودم آن لایحه صورت داده شود به هیئت وزراء که بعد از رسیدن بنظر خزانه دار کل مجدداً به مجلس بیاورند فقط نوشته اند پیشنهادی کرد و بعنوان پیشنهاد نوشته شده است

نایب رئیس - صحیح است پیشنهاد نوشته شده و تصریح میشود

حاج سید ابراهیم - بنده در آن اظهاری که آخر جلسه کردم مخصوصاً اسم شخصی را بردم و عرض کردم که استنطاقات مثبت السلطنه مخصوصاً بیاید در مجلس در صورت مجلس ذکر می از اسم او نشده است -

نایب رئیس - ذکر میشود

ادب التجار - بنده يك چیزی را استدعا کردم که تأکید شود به هیئت وزراء و آن راجع بود باقدام وزراء در باب اوراق مضره و دیسگر جواب سؤالات که از وزراء نمایندگان داشتند که از طرف هیئت رئیسه تأکید شود و بگویند که چه اقدام کرده اند در باب آن سؤالات که یکی از آن ها راجع بعمل نمان و گندم است و قانون منع احتکار که آن قانون یکی از سخت ترین مجازات است و حمل مجازات محتکرین است و سؤالات دیگر که مفصلا در دوسیه های مجلس ضبط است و فراموش شده است در صورت مجلس بنویسند و یکی هم استدعا میکنم که در صورت مجلس گذشته آن دو ماده را نوشته بودند و مخصوصاً قید فرموده بودند که جزء دستور باشد و امروز از قلم افتاده است این را هم استدعا میکنم که بفرمائید بنویسند

نایب رئیس - این فقره هم اصلاح میشود دیگر ملاحظاتی نیست - صورت مجلس تصویب شد قانون انتخابات ماده ۱۵ خوانده میشود (بجارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۵ - انتخاب نمایندگان - به اکثریت نسبی است -

حاج آقا - ماده ۵۲ را بخوانید (بجارت ذیل قرائت شد) -

ماده ۵۲ - هر گاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفا دهد یا فوت شود اگر بیش از ۳ ماه بآخر دوره تقیثیه باقی باشد اهل محل بجای او انتخاب خواهند کرد ولی اگر اهل محل در طرف ۳ ماه از زمان اختصار نماینده خود را انتخاب نکردند مجلس شورای ملی بکثرترا بعضی نماینده مستقری یا موقفی انتخاب میکنند

میکنم از مخبر محترم کمیسیون توضیح بدهند که چه جهت دارد این شرط ایفاء شده -

ذکاء الملک مخبر - بنه این شرط را کمیسیون فرار داده بود لکن در حقیقت مجلس برداشت زیرا پیشنهاد شد که يك ثلث زیاد است در این خصوص پیشنهاد های مختلفه شد از قبیل ربع و خمس و غیره مجلس رأی نداد و رجوع شد به کمیسیون در کمیسیون هم معلوم شد که چون تجدید انتخاب در این مملکت کار مشکلی است و بعد از ملاحظه مذاکرات زیاد معلوم شد که تجدید انتخاب ممکن نیست بشود و اگر هم بشود ممکن است در بعضی از نقاط ایران محتاج شوند با کثرت نسبی چون میدانستیم که تجدید انتخابات ممکن است اسباب تأخیر شود یا يك اثرات سوئی داشته باشد که بالاخره منجر بشود باینکه نماینده دو سه رأی در این مجلس بیابند این جهت نسبی قرار دادیم بدون قید بعضی اظهار نمودند که این شور سیم است مذاکرات کافی است

نایب رئیس - آقایان اغلب میگویند مذاکرات کافی است رأی میگیریم که مذاکره کافی است یا خیر آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - رأی میگیریم بناده ۱۵ بطوریکه قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده ۲۷ عبارت ذیل قرائت شد -

ماده ۲۷ - هر گاه بعضی از انجمن های نظارت نقاط جزء صورت مجلس انتخابات خود را در مدتی که انجمن مرکزی برای آنها معین کرده بانجمن مزبور فرستادند انجمن مرکزی انتخابات آن حوزه را خاتمه داده نتیجه را معین میکند ولی این امر مانع از حق شکایت رأی دهندگان آن نقاط نخواهد بود -

نایب رئیس - مخالفی هست (گفتند بکده دیگر خوانده شود) ماده ۲۷ قرائت شد

نایب رئیس - رأی میگیریم بناده ۳۷ به ترتیبی که قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده آخر فصل ۷ ماده العاقبه (بجارت ذیل قرائت گردید) -

ماده العاقبه - آخر فصل ۷ ماده ۴۳ مادام که منتخبین اعتبار نامه نمایندگانی نگرفته اند هر گاه یکی از ایشان فوت شود یا قبول نمایندگی ننمایند از بقیه منتخبین کسی که نسبتاً حائز اکثریت است بنماینده کمی معین میشود ولی پس از دریافت اعتبارنامه باید مطابق ماده ۵۲ همین قانون عمل شود -

حاج آقا - ماده ۵۲ را بخوانید (بجارت ذیل قرائت شد) -

ماده ۵۲ - هر گاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفا دهد یا فوت شود اگر بیش از ۳ ماه بآخر دوره تقیثیه باقی باشد اهل محل بجای او انتخاب خواهند کرد ولی اگر اهل محل در طرف ۳ ماه از زمان اختصار نماینده خود را انتخاب نکردند مجلس شورای ملی بکثرترا بعضی نماینده مستقری یا موقفی انتخاب میکنند

حاج شیخ اسدالله - در یکی از موادی که میفرمایند اعتبار نامه داده شده است که آن منتخب نسبتاً دارای اکثریت است اگر استعفا بدهد یا مرفی شود.

نایب رئیس - استعفا داریم که در آن مسأله مذاکره بفرمائید مذاکرات شما راجع بپایه اول است.

حاج شیخ اسدالله - بعد از دادن اعتبارنامه اگر فوت شد.

نایب رئیس - این راجع بپایه اول است.

حاج شیخ اسدالله - راجع به آن است.

ماده این است که اگر قبل از دادن اعتبار نامه فوت کرده یا استعفا داد رجوع میکند بآن کسیکه نسبتاً اکثریت دارد و اگر فوت کرده یا استعفا داد رجوع میکند بآن ترتیبی که در ماده ۵۲ نوشته شده و باید عمل نماید اینرا بنده بیقاعده میدانم برای اینکه در این ماده مینویسد که سه ماه قبل که به دوره آخر تقنینیه مانده است مجلس انتخاب میکند در صورت فوت آن بعد از آنیکه در مجلس اعتبارنامه بکتابنامه پذیرفته نشده و مجلس شورای ملی تصدیق نکرده اعتبارنامه او را که آیا صحیح است یا باطل است آن شخص را مجلس شورای ملی نماینده نمیداند و بعد از آنکه نماینده او در مجلس شورای ملی قبول نشود در آن صورت باید از طرف ملت مجدداً انتخاب شود یا آن کسی که اکثریت است قبول نماید و اگر نماینده او در مجلس رسمیت پیدا کرد یعنی مجلس تصدیق کرد نماینده او را بعد از آن فوت یا استعفا کرد در مقام استعفا و یا متوفی آن ماده ۵۲ را باید معمول داشت یا اعلان میکنند که عوض او را انتخاب نمایند یا اینکه سه ماه بآخر دوره تقنینیه مانده مطابق آن ماده که میباید خود مجلس شورای ملی انتخاب کند بنده عقیده ام این است که نوشته شود مادامی که نماینده او در مجلس شورای ملی تصویب نشده است اگر هر آینه استعفا یا فوت کرد رجوع کنند بآن کسیکه بعد از او دارای اکثریت است و اگر بعد از آن که در مجلس اعتبارنامه او صحیح بود و پذیرفته شد نماینده او آن وقت رجوع بکند بپایه ۵۲ مطابق این ترتیبی که این نوشته شده بنده نمیتوانم تصویب میکنم یاری بدهم بجمرد اعتبار نامه دادن بکنفر و نماینده او را تصدیق کنم و حق بدهم در سه ماه بآخر دوره مانده عوض او را مجلس شورای ملی انتخاب بکند.

ذکاء الملک مخیر - استعفا دادن یا فوت کردن بکتابنامه در یکی از سه حال پیدا میشود یکی آنکه وقتیکه استعفا بدهد یا فوت میکند هنوز اعتبارنامه از انجمن نظارت نگرفته یا آن است که اعتبارنامه را گرفته و نماینده او هم تا یک اندازه مسلم است شده است ولی مجلس شورای ملی هنوز افتتاح نشده است در این موقع فوت یا استعفا میکند یا وقت این که مجلس افتتاح شده است آن شخص هم بمجلس آمده است بعد استعفا یا فوت میکند در این صورت در این جا ما دو صورت را در یک حکم قرار دادیم یعنی مادام که انجمن نظارت انتخابات دایر است و برقرار است و اعتبارنامه نداده است بدست آن منتخب که تقیم در آن وقت اگر کسی از منتخبین فوت یا

استعفا کرد چون انتخابات هنوز در حین وقوع است و هنوز میتوان گفت امر انتخابات تمام نشده است اگر برای ابتکار بخواهیم تجدید انتخاب کنیم خیلی مشکل خواهد بود و اسباب زحمت خواهد بود برای مردم و چندان ضرورتی هم ندارد از آن اشخاصیکه منتخب هستند نگاه کنند ببینند در کدام اکثریت بیشتر دارند نسبتاً آنرا معلوم کنند ولی اگر اعتبارنامه بیک کسی داده باشند در واقع میتوان گفت که انتخابات ختم شده و تمام شده نمایندگان ملت برای تمام مملکت بپاری آن حوزه مین شده است و این شخص نماینده بک ملت شده حالا این نماینده راست است که بعد در مجلس هم ممکن است نماینده او آورد شود این بجای خودش باشد ولی فعلاً یکی از نمایندگان ملت محسوب میشود و دارای اعتبارنامه است و با آن همان معامله را میکنند که بایک نماینده میکنند مگر اینکه مجلس حکم کند که این شخص نماینده نیست چون اعتبارنامه اش صحیح نبوده و لی قبل از آن که مجلس این حکم را بکند هیچکس نمیتواند با بگوید که نماینده نیست و یا اعتراضی یا بکنند حق اعتراض هم ندارند حق مترض هم ندارند مگر شورای ملی و این یک حق فوق العاده است که بمجلس شورای ملی داده شده است پس از آن روزیکه این شخص اعتبارنامه گرفت از همان روز او نماینده ملت محسوب میشود و قبل از آن نماینده محسوب نخواهد شد پس از آن روزیکه نماینده محسوب میشود آن راجع است آن حکمی قرار میبهمیم که برای اعضاء مجلس قرار داده ایم چه برای آنکه حق این است که بکسی را که کلمت انتخاب کرده است وقتی که باشد او خودش استعفا بدهد یا از میان رفت بهر حال اذیت نماینده محسوب شد ملت باز بجای او معین میکند بهمان دلیل که خود آقایان بیان کردند که بک کسی را که ملت انتخاب کرده است اگر استعفا یا فوت کرد ملت بجای او باید انتخاب کند و صحیح نیست که فقط اکثریت نسبی بدمدرا ملاحظه کنیم بجهت اینکه اشخاصی که درباره این شخص رأی داده اند اگر میدانستند که این شخص نماینده آنها نخواهد بود شاید درباره بک کسی دیگری رأی میدادند و نوبت هیچ نرسید بآن اشخاصی که تانی او هستند اگر چه این ایراد تا یک اندازه در حق آنهاست هم که قبل از اعتبارنامه گرفتن استعفا یا فوت کرده باشند و ارداد ولی اقل باین شدت نیست و میتوانم که انتخابات هنوز تمام و ختم نشده است و هنوز این شخص نماینده نشده باشد و میتوانیم بگوئیم هنوز انجمن نظارت منتهی است بک مدت زیادی طول نکشیده است و تردید رأی برای ملت است نداده است و خیلی فاصله در میان نیست تا اینکه بگوئیم بک حال دیگری پیدا شده است و از آن طرف اگر بنا باشد باین اندازه کار انتخابات را سخت کنیم واقفاً کار سخت میشود و تعیین نمایندگان خیلی دشوار خواهد بود حالا شاید در جای دیگر به مقتضای دیگری این حق را بگیرند از انجمن نظارت که میگویند بجای آن شخص ملت بک شخص دیگری را انتخاب کند شاید این هم بک وقتی مقتضی بود اما فعلاً نمیتوانیم این کار را بکنیم بجهت اینکه خیلی اسباب عبرت میشود برای مردم و اسباب تعویق افتتاح مجلس شورای ملی میشود و نمیشود که هر خلل جزئی که وارد آمد

بامر انتخابات فوراً تجدید انتخاب میکنند این اشکالات را ممکن است بکنند و در انتخابات این اشکالات هست پس گفتیم در این قسمت که فوت یا استعفا واقع میشود در صورتیکه هنوز انتخابات تمام نشده است و باقی است حق بدهیم بانجمن نظارت که هر گاه کسی فوت یا استعفا کرد بعد از اسامی آنهاست که در باره شان رأی داده شده است نگاه بکنند هر کسی بعد از آن وکیل مستعفی یا متوفی دارای اکثریت است او را معین کنند اما اگر بنا باشد این حق را تا آنجا بسط بدهیم و میگوئیم اگر مجلس شورای ملی تا ۱۶ ماه منتهی نشود طول کشید در طرف این ۱۶ ماه بکتابنامه استعفا داد و فوت کرد برویم بآن صورت انتخابات نگاه بکنیم و قالی او را بگیریم این اولاً بک نتیجه خیلی بدی دارد که شاید کار بجای خیلی مشکل رسد و در آن صورت ممکن است اشخاصی که دارای دورای سه رأی چهار رأی هستند انتخاب شوند و دیگر اینکه حقیقت این شخص نماینده بوده است و از طرف ملت منتخب شده است و حالا که استعفا یا فوت کرده است باید ملت خودش معین کنند که کی بجای این خواهد بود همانطور که درباره وکلا در مجلس مذاکره میشود که مجلس حق ندارد باید درباره ملت وکیل خودش را انتخاب کند و مگر خود آقایان حتی برضد بنده این استدلال را کردند که کسی را که ملت انتخاب کرده نباید دیگری بجای او را انتخاب کند بهمین دلیل عوض او را خود ملت باید انتخاب کند.

نایب رئیس - گویا مذاکرات کافی است ۴۳ - است خوانده میشود و رأی گرفته میشود مجدداً قرائت شد.

میرزا داود خان - اینکه رأی گرفته میشود درباره العاقبه است بنده در این رأی گرفت بجهت اینکه این ماده العاقبه راجع میشود بآن ماده ۵۲ به عقیده بنده اول باید رأی در ماده ۵۲ گرفت (بعضی از نمایندگان هم تصدیق کردند)

ذکاء الملک مخیر - این بک نظر صحیحی است شاید بخواهند در این ماده بک نظر جدیدی بکنند پس اول بنده ۵۰ رأی بگیرم.

نایب رئیس - ماده ۵۰ خوانده میشود و رأی میگیریم - بعبارت ذیل قرائت شد.

ماده ۵۰ - مدت دوره تقنینیه سه سال شمسی است و ابتدای آن از روزی است که مجلس شورای ملی افتتاح میشود.

نایب رئیس - آقای ارباب فرمایشی دارید بفرمائید.

ارباب کیخسرو - بنده در باب سه سال شمسی بودن مخالفم و تصور میکنم که علی العیال مقتضی نیست که بیش از دو سال باشد برای اینکه مردم منتظرند یعنی موکابن ما انتظار دارند که وقت مقتضی شود و وکلائی دیگر انتخاب کنند شاید وکلائی بهتر خواسته باشند انتخاب کنند اگر پیش از این مدت مایل باشند مثلاً سه سال در سال بخواهند و وکلا اینجا بنشینند این را واگذار میکنیم بآیه علی العیال بنده کاملاً با این ماده مخالفم و بک پیشنهادی هم در این خصوص آورده ام.

حاج عزالممالک - این شور سوم است که در مجلس میشود چیزی که که شور شده باید

رأی گرفته شود یا قبول اگر بنا شود باز مذاکره میکنند از طرف آقایان پیشنهاد شود آن وقت قهراً باید بروید بکمیسیون و باز بک شور دیگری در او بشود بعد از این که شور دوم شد باید رأی گرفته شود و الا هیچوقت ختم نخواهد شد.

ذکاء الملک مخیر - فرمایش آقای عزالممالک صحیح است و در این موقع علی العیال پیشنهاد کردن هم صحیح نیست و رأی هم نباید گرفته شود همینقدر که مجلس پیشنهاد کبسیون رأی داد قبول کرده است و اگر رأی نداد باید بهمان ترتیب سابق رفتار کرد یعنی همان ترتیب سابق است و اما در خصوص آنکه نوشته شده است سه سال آقای ارباب دلیلی که آورده اند این بود که موکابن ما منتظرند که مدت وکلایشان سر برود تجدید شود البته این برای این است که دوره تقنینیه دو سال است و باید تجدید شود دو سال که تمام شد باید نمایندگان عوض شوند و اگر از باب این است که تصور میکنند وقتی که نمایندگان تغییر کردند چه نتیجه خواهند برد تغییر دادن نماینده بک نظر است نظر دیگری ندارد و آن این است که ملت در باره آن نمایندگان خودش تغییر رأی داده باشد بنا بر این قرار داده شده است که اگر ملت درباره بک وکلی عقایدش تغییر بکند در عرض مدت منتهی وکیل نباشد و فرار گذاشته شده است که نمایندگان دائمی نباشند که اگر ملت در این مدت بک عقاید سیاسی پیدا کرده و عقایدش را با عقاید وکلی که انتخاب کرده است مخالف دید بتواند وکیل انتخاب کند که عقایدش با عقاید او مطابقت کند این حکمست تجدید نمایندگان است دیگر دلایلی ندارد که نمایندگان تجدید شود و الا قرار میگذاشتند نمایندگان مادام الحیوة نمایند باشند هیچ دلیلی نباشد که بگوئیم نمایندگان تجدید شوند حالا این اصل را البته باید قبول کرد و معتقد هستیم که گاه گاهی باید نمایندگان تغییر کنند تا ملت بتواند عقیده خودش را اظهار نماید با کمال آزادی اما در کمیسیون نظر اعضاء بر این بود که با این ترتیب مملکت دو سال از برای مدت نمایندگی کم است چرا دو سال از برای نمایندگی کم است بجهت این که نماینده بک کاری است مثل سایر مشاغل در واقع همان طوری که شخصی در بک کاری و بک شغلی که بک مدت متناهی باشد و کار نکند علماً و عملاً بصیرتش در اینکار زیادتز شود علی العیال در این مملکت ما که از حیث مشروطیت و بوجوب تحصیل و تعلیم در مدرسه بوجوب تعلیمات سیاسی خیلی تازه کار و جوان و بی تجربه هستیم پس در واقع کار کردن د مجلس شورای ملی از برای هر کدام از ما هابک نوع اعمال ورزشی است و در حقیقت مدت دو سال همان اندازه ای است که کفایت میکند که نمایندگان بصیرت حاصل کنند بوظایف خودشان و بوظایف نمایندگی که دارند و بوظایفی که در اعمال مسکن و سیاسی رخواهد نظریات سیاسی دارند بعد از آنکه بجایمانی رسیده اند که بگویند حالا خوب میتوانستند اعمال نظر سیاسی بکنند و خوب اجرای کار بکنند و خوب از همه بر آینه آن وقت باید تجدید شود و بک دسته دیگر بیایند باین نظر بود که گفتیم سه سال باشد و علاوه بر این نظریات دیگر

هم بود آن این بود که مکرر بنده اینجا عرض کردم که انتخابات بک انقلابی است در مملکت و باین نظر که انتخابات بک انقلاب کوچکی است سعی بکنیم که این انقلاب کمتر واقع شود در مملکت بطور کمتر آن انقلاب واقع بشود هر وقت مدت نمایندگی آنها زیاد باشد انقلاب کمتر خواهد شد باین جهت اگر مدت دو سال باشد دو سال یکمرتبه آن انقلاب میشود بعبارت اخیری دو سال بک مرتبه انقلاب انتخابی داریم اگر سه سال باشد سه سال بک مرتبه انقلاب انتخابی داریم بک نظر دیگر این است که در این مملکت ما میدانیم که انتخابات سهولت واقع نمیشود حتی الامکان باید کاری بکنیم که صعوبت کمتر واقع شود و ایام فطرتی که هست برای ملت در نداشتن وکیل کمتر باشد یعنی وقتی که مجلس منقضی شد چون دوره انتخابیه در مملکت یعنی دوره انتخاب کردن زیاد است قهراً ممکن است چهار ماه پنج ماه طول بکشد تا اینکه بک انتخابات جدیدی شود و اعضاء بک مجلس شورا منتخب شود و این بعبارت اخیری بک ایام فطرتی چنانچه عرض کردم در دوره تقنینیه پیدا میشود و این فطرت هر چه کمتر باشد بهتر است یعنی سه سال بک مرتبه واقع شود بهتر از این است که دو سال یکمرتبه واقع شود هم چنین نظریات دیگر که کمیسیون در این خصوص خیلی مذاکره و مذاقه شد بالاخره رأی اعضاء کمیسیون این شد که دو سال تغییر داده شود سه سال و اما این مسئله که اول عرض کردم حکمت اینکه نمایندگان باید گاه گاهی تجدید شوند که عقاید سیاسی ملت تغییر کرده باشد و باین جهت بخواهد نماینده خودش را تغییر بدهد آن بک راه دیگری دارد که در مدت سه سال هم ممکن است در دو سال هم لازم میشود اگر لازم باشد که نمایندگان ملت تغییر بکنند از بک جهتی از نظر سیاسی اگر بخواهند در دو سال هم لازم میآید باید بیک ترتیبی باشد که ملت بتواند این کار را بکند و آن ترتیبی است که بک راه مشروع مطابق راه مشروطیت صحیحی است که همه جا آن ترتیب را معمول میدارند و باید همان طور مامم داشته باشیم داریم اگر چه مجری نشده است ولی باید طوری هم بشود که مجری شود و آن مسئله انفصال مجلس است هر وقت رئیس دولت بنویسد که بواسطه بک اختلاف نظری که بین ملت و نمایندگان ممکن است باشد انفصال میدهد مجلس را و احواسر میکند ملت را و دعوت میکند برای تجدید انتخاب که به بنده نظر سیاسی ملت حالیه اش چه چیز است و آن مسئله باید بجای خودش باشد میخواید دو سال باشد میخواید سه سال باشد اگر آن مسئله را نداشته باشد یعنی مسئله انفصال مجلس را بطور صحیح قرار ندهند و دو ساله هم که باز شده است و اگر او را هم قرار بدهد سه ساله هم که باشد ضروری ندارد.

حاج آقا - بنده اخطار قانون اساسی دارم نایب رئیس - بفرمائید.

حاج آقا - بنده اصله قانون اساسی را تقاضا میکنم که بخوانند ابتدا از جهت انتخاب و ایام انتخاب نسخ نشده است و چیزی که قفسه نسخ شده است همان ابتدای دوره انتخاب است.

(اصله قانون اساسی بعبارت ذیل قرائت شد) - اصله - منتخبین از برای دو سال تمام انتخاب میشوند و ابتدای این مدت از روزی است که منتخبین ولایات تماماً در طهران حاضر خواهند شد پس از انقضای مدت دو سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم مختارند هر یک از منتخبین سابق را که بخواهند واز آنها راضی باشند دوباره انتخاب نمایند.

حاج آقا - ابتدای این مدت از روزی است که تمام نمایندگان ولایات حاضر شده باشند (این برداشته شده است) و نوشته شده است که (ابتدای مجلس از روزی است که مجلس افتتاح میشود) و دیگر نصف بلامانع بک باید در طهران حاضر بشود و بقیه ماده قانون اساسی بجای خودش باقی است در صورتیکه خودش تصریح کرده است که باید منتخبین برای دو سال انتخاب شوند دیگر نمایندگان چه اشکالاتی دارد و اما نظراتی هم که آقای مغیر دادند و بیان کردند هر چند که صحیح است ولی بنده آن دفعه اول هم عرض کردم و باز تکرار میکنم که تجربه ملت نسبت به تجربه وکلا هم است البته تجربه ملت همانطور که مادرسند تجربه هستیم ملت هم در صدد تجربه است و تجربه ملت اهم است از تجربه وکلا همان طوری که نوشته شده در قانون اساسی باید دوره تقنینیه دو سال باشد.

افقار الواعظین - گویا در مشروطیت از برای هر کسی بکمانی و بکراهی در جلوش هست در مشروطه هیچکس را بلامانع و رادع نمیکند او نه فقط پادشاه است که میگویند میراست از مشولیت ولی بعد که ملاحظه میکنیم اغلب مشروطه های دنیا بمبیینم موافق قانون هیچ حق باور داده نشده است و این کله که میگویند پادشاه میراست از مشولیت این بک تشارف است که باو میگویند بجهت اینکه کسی که داخل نیست در کاری و مداخله در امری ندارد بدیهی است که مشولیت ندارد ولی در ضمن آورده اند و ز راه را مشول قرار داده اند در مقابل حق مجلس آمده اند مجلس سنا قرار داده اند برای اینکه مجلس سنا شورای ملی هم بلامانع و رادع نباشد که مجلس سنا نگران مجلس شورای ملی باشد و مجلس شورای ملی نگران مجلس سنا باشد دیگر آنکه ب پادشاه حق انفصال مجلس را داده اند که اگر بک وقتی بک مسئله مهمی محل اختلاف شد بین دولت و مجلس شورای ملی و بنده هیچ نمیخواهم متلی بزنم مثل چه البته مثل هاش را آقایان میدانند و واضح است اگر بک مسئله واقع شد بین هیئت دولت و مجلس شورای ملی آن وقت برای اینکه بدانیم آراء عامه ملت متماثل بیکدیگر یا این دورای است رأی اکثریت مجلس را بجهت ملت تصویب می کنند و بارای مجلس سنا ربارای هیئت دولت را بجهت چیز بفرمایند این است که در آن نظامها حق انفصال را داده اند پادشاه پادشاه در آن وقت مجلس را انفصال میدهد و اعلان انتخاب جدید میدهد و اعلان هم میکند که وکلائی که انتخاب میکنند باید در فلان امر هم نظر کنند و بصیرت داشته باشند اگر چنانچه وکلا آمده باشند آن اکثریت مجلس باز یا اکثریت سابق موافق بود معلوم میشود که آراشان یا اکثریت مجلس موافق بوده باز اکثریت مجلس بآن

